

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ



دانشکده : مهندسی صنایع و مدیریت

گروه : اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم در ایران

با رویکرد دینامیکی

دانشجو:

محمد سرحدی جزفتن

استاد راهنما :

دکتر محمود رحیمی

شهریور ۱۳۹۵

دانشگاه صنعتی شاهرود

دانشکده : صنایع و مدیریت

گروه : اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد محمد سرحدی جزفتن

تحت عنوان:

بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم در ایران با رویکرد دینامیکی

در تاریخ توسط کمیته تخصصی زیر جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد
مورد ارزیابی و با
درجه مورد پذیرش قرار گرفت.

امضاء	اساتید مشاور	امضاء	اساتید راهنما
	نام و نام خانوادگی :		نام و نام خانوادگی :
	نام و نام خانوادگی :		نام و نام خانوادگی :

امضاء	نماینده تحصیلات تکمیلی	امضاء	اساتید داور
	نام و نام خانوادگی :		نام و نام خانوادگی :
			نام و نام خانوادگی :
			نام و نام خانوادگی :
			نام و نام خانوادگی :

تقدیم به خانواده عزیزم بخصوص

پدر مهربان

و

مادر دلسوزم

ث

حال که به پایان این پژوهش رسیدیم برخورد لازم می‌دانم از تمامی کسانی که از ابتدا مرا مورد حمایت و لطف خویش قرار دادند، تقدیر و تشکر نمایم، بخصوص:

خانواده مهربانم و استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای دکتر محمود
رحیمی

تعهد نامه

اینجانب محمد سرحدی جزفتن دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی دانشکده مهندسی صنایع و مدیریت دانشگاه صنعتی شاهرود نویسنده پایان نامه **بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم در ایران** تحت راهنمایی دکتر محمود رحیمی متعهد می‌شوم .

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است .
 - در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است .
 - مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است .
 - کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه شاهرود می‌باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه صنعتی شاهرود » و یا «University Shahrood of Technology» به چاپ خواهد رسید .
 - حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیرگذار بوده اند در مقالات مستخرج از پایان نامه رعایت می‌گردد.
 - در کلیه مراحل انجام این پایان نامه ، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است .
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است اصل رازداری ، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است .

تاریخ:

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج ، کتاب ، برنامه های رایانه ای ، نرم افزار ها و تجهیزات ساخته شده است) متعلق به دانشگاه صنعتی شاهرود می‌باشد . این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود .
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

اقتصاد جرم و جنایت یکی از موضوعات بین رشته‌ای که پس از دهه ۱۹۷۰ میلادی با تلاش‌های گری بکر وارد علم اقتصاد شده و در تلاش است تا جنبه‌های اقتصادی جرم و جنایت را تحلیل کند و بر مبنای مطالعات نظری و تجربی انجام شده در حوزه اقتصاد و جرم، عوامل اقتصادی بر وقوع جرم اثرگذار هستند.

مطالعه حاضر بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم (سرقت) با رویکرد دینامیکی و با روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده ($ARDL^1$) و برای سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۲ تخمین زده شد. داده‌های مورد نیاز برای انجام این مطالعه از بانک مرکزی و مرکز آمار ایران گرفته شد. در این مطالعه ابتدا آزمون مانایی دیکی فولر برای تعیین مانایی متغیرها انجام شد که نشان داد متغیرهای این تحقیق نامانا هستند. سپس به تخمین کوتاه‌مدت مدل پرداخته شد بعد از آن جهت بررسی خودهمبستگی باقیمانده‌ها آزمون لاگرانژ انجام گرفته است و بعد از آن تخمین مدل بلند مدت انجام گرفته است. در انتها نیز تخمین معادله تصحیح خطا انجام شد که نشان داد متغیرها با چه ضریبی به سمت تعادل بلند مدت در حرکت هستند.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که در بلندمدت صنعتی شدن، بیکاری، نابرابری درآمدی، فقر، تورم، جمعیت اثر مثبتی روی جرم (سرقت) دارند که نشان می‌دهد با افزایش این متغیرها ارتکاب جرم نیز در کشور افزایش می‌یابد. اما در کوتاه‌مدت متغیر فقر و نابرابری درآمدی اثر منفی بر جرم دارند.

واژگان کلیدی: اقتصاد جرم، نابرابری درآمدی، فقر، خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده

¹. Auto Regressive Distributed Lag Method

مقاله استخراج شده از پایان نامه:

بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم (سرقت) در ایران با رویکرد دینامیکی

محمد سرحدی جزفتن، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شاهرود

Msarhadi47@yahoo.com، ۰۹۳۷۸۸۲۱۹۱۴

دکتر محمود رحیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود

Mahmoud_rahimi2002@yahoo.com، ۰۹۱۲۲۷۳۷۰۱۱

چکیده

با توجه به اینکه یکی از مهم ترین مباحث در دنیای کنونی بحث جرم و جنایت می باشد. بررسی و کنکاش این موضوع سبب آگاهی بیشتر در این زمینه می شود. داده های این پژوهش برای کشور ایران است و از مرکز آمار ایران بدست آمدند و برای بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۷۰ می باشند. این مقاله نیز با این نگرش به بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم در ایران و با استفاده از مدل اقتصادسنجی روش حداقل مربعات معمولی (OLS) پرداخته است.

نتایج مدل نشان می دهد که رابطه صنعتی شدن و جرم معکوس می باشد به این معنی که هرچه کشور صنعتی تر شود جرم کاهش می یابد، بیکاری و جرم رابطه مستقیم دارند یعنی هرچه بیکاری بیشتر شود جرم نیز بیشتر خواهد شد، فقر نیز با جرم رابطه مستقیم دارد یعنی هرچه فقر بیشتر شود جرم نیز زیاد می شود، تورم نیز با جرم رابطه مستقیم دارد و نیز جمعیت با جرم رابطه مستقیم دارد به این معنی که با زیاد شدن این متغیر جرم نیز زیاد می شود.

در این مدل هم خطی نداریم و ارتباط خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. و همچنین مدل بدون مشکل بود و همچنین متغیر حذف شده هم نداشتیم.

کلیدواژه: جرم، ایران، اقتصاد، حداقل مربعات معمولی

فهرست مطالب

۱	فصل اول - کلیات تحقیق.....
۲	۱-۱ مقدمه
۲	۲-۱ طرح تحقیق و بیان مسأله
۳	۳-۱ ضرورت انجام تحقیق و محدودیت‌ها.....
۴	۴-۱ اهداف و فرضیات تحقیق.....
۴	۵-۱ روش تحقیق.....
۵	۷-۱ خلاصه فصلها
۷	فصل دوم - ادبیات و پیشینه تحقیق.....
۸	۱-۲ مقدمه
۸	۲-۲ تعریف جرم
۱۱	۱-۲-۲ اثرهای جرم.....
۱۳	۳-۲ بررسی آمارهای جرم در ایران
۱۴	۴-۲ نظریه اقتصاد جرم و جنایت
۱۶	۵-۲ مدل نظری و تجربی جرم در ایران
۱۸	۶-۲ عوامل اقتصادی موثر بر جرم.....
۱۸	۱-۶-۲ فقر
۲۰	۲-۶-۲ نابرابری درآمدی
۲۱	۳-۶-۲ بیکاری
۲۲	۴-۶-۲ صنعتی شدن و شهرنشینی.....
۲۳	۵-۶-۲ تورم.....
۲۴	۶-۶-۲ تراکم جمعیت.....
۲۵	۷-۲ پیشینه تحقیق.....
۲۵	۱-۷-۲ مطالعات خارجی.....
۳۷	۲-۷-۲ مطالعات داخلی.....
۴۱	فصل سوم: روش شناسی

۴۲	۱-۳ مقدمه
۴۳	۲-۳ مدل سری‌های زمانی
۴۳	۳-۳ فراگرد تصادفی
۴۴	۱-۳-۳ فراگرد تصادفی مانای ضعیف
۴۴	۲-۳-۳ فراگرد تصادفی مانای قوی
۴۵	۴-۳ مدل خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده ARDL
۴۷	۵-۳ الگوی تصحیح خطای ECM
۴۹	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها.
۵۰	۱-۴ مقدمه
۵۰	۲-۴ مدل تحقیق
۵۱	۳-۴ نمودارهای سری زمانی متغیرها
۵۵	۴-۴ آزمون مانایی دیکی فولر
۵۶	۵-۴ تخمین مدل کوتاه‌مدت
۵۷	۶-۴ آزمون لاگرانژ جهت خودهمبستگی باقی مانده‌ها
۵۷	۷-۴ تخمین مدل بلندمدت
۵۸	۸-۴ تخمین معادله تصحیح خطای ECM
۵۹	۹-۴ تحلیل متغیرهای تحقیق
۵۹	۱-۹-۴ صنعتی شدن
۶۰	۲-۹-۴ بیکاری
۶۱	۳-۹-۴ نابرابری درآمدی
۶۲	۴-۹-۴ فقر
۶۳	۱-۴-۹-۴ مقدارهای تقریبی تعیین خط فقر
۶۴	۵-۹-۴ تورم
۶۵	۶-۹-۴ جمعیت
۶۷	فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۶۸.....	۱-۵ مقدمه
۶۸.....	۲-۵ بحث
۶۹.....	۳-۵ تجزیه و تحلیل
۷۰.....	۴-۵ نتیجه‌گیری
۷۱.....	۵-۵ پیشنهادات پژوهش
۷۱.....	۱-۵-۵ پیشنهادات علمی و کاربردی پژوهش
۷۲.....	۲-۵-۵ پیشنهادات برای محققین آینده
۷۳.....	منابع
۷۴.....	منابع داخلی:
۷۵.....	منابع خارجی

فهرست اشکال

۱۱.....	شکل ۱-۲ فلوجارت هزینه‌های ناشی از جرم
۱۶.....	شکل ۲-۲ شمای کلی بازار جرم
۵۱.....	شکل ۱-۴ نمودار سر زمانی متغیر جرم (سرقت)
۵۲.....	شکل ۲-۴ نمودار سری زمانی متغیر صنعتی شدن
۵۲.....	شکل ۳-۴ نمودار سری زمانی متغیر بیکاری
۵۳.....	شکل ۴-۴ نمودار سری زمانی متغیر نابرابری درآمدی
۵۳.....	شکل ۵-۴ نمودار سری زمانی متغیر فقر
۵۴.....	شکل ۶-۴ نمودار سری زمانی متغیر تورم
۵۴.....	شکل ۷-۴ نمودار سری زمانی متغیر جمعیت

فهرست جداول

۵۵	جدول ۱-۴ آزمون مانایی دیکی فولر
۵۶	جدول ۲-۴ تخمین کوتاهمدت مدل ARDL
۵۷	جدول ۳-۴ آزمون لاگرانژ جهت خودهمبستگی باقیماندهها
۵۷	جدول ۴-۴ تخمین بلندمدت مدل ARDL
۵۸	جدول ۵-۴ تخمین معادله تصحیح خطا ECM

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، در وقوع جرم موثر است؛ همچنین ماهیت وقوع جرایم و تاثیر عوامل اقتصادی بر آنها متفاوت می‌باشد. جرایم اقتصادی در مباحث اقتصاد جرم اهمیت خاصی دارد. در این فصل کلیات تحقیق طرح تحقیق و بیان مسئله، ضرورت انجام تحقیق، اهداف و فرضیات تحقیق مطرح خواهد شد.

۲-۱ طرح تحقیق و بیان مسئله

در این تحقیق سعی می‌شود با بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم و توضیح تک تک آنها می‌پردازد. تاثیر هر یک از عوامل اقتصادی روی جرم (سرقت) چقدر می‌باشد.

اقتصاد جرم و جنایت یکی از موضوعات بین رشته‌ای است که درصدد تحلیل اقتصادی جرم و جنایت می‌باشد. با توجه به روند نسبتاً افزایشی جرم و جنایت در کشور ما، بررسی ابعاد مختلف علل وقوع جرم مخصوصاً بعد اقتصادی برای جرایمی همچون سرقت که ارتباط مستقیم با امور اقتصادی دارد از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و درک دقیق و علمی روابط علی و معلولی بین این دو، رهنمون مناسبی برای اداره بهتر جامعه به سیاست‌گذاران کشور ارائه خواهد داد.

اعمالی مانند دزدی، قتل، تهدید و آدم ربایی که حقوق افراد را نادیده گرفته و ارتکاب آن، مجازات مقرر در قانون را به همراه دارد، جرم^۱ نامیده می‌شود. اعمال مجرمانه حقوق افراد و چارچوب‌های قانونی کشور را مورد تعرض قرار می‌دهند و مقابله با آنها مخارجی چون مراحل اداری کشف و رسیدگی جرائم، هزینه‌های مصالحه، تعیین و دریافت خسارت برای دولت و مردم به دنبال دارد. جرم و جنایت بیشتر در هر منطقه موجب حاکم شدن شرایط نا اطمینانی و بی‌اعتمادی در فضای کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی آن منطقه

¹ Crime

خواهد شد که در نتیجه آن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و تولید کاهش می‌یابد و بدین ترتیب می‌توان گفت: وقوع و گسترش جرم تخصیص منابع و امکانات اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند که از این طریق بر روند رشد اقتصادی کشور اثر منفی دارد (مداح، ۱۳۸۹، ص ۴).

افزایش جرم و جنایت از جمله موضوعاتی است که به عنوان خط قرمز جوامع محسوب می‌شود و دولت‌های مختلف بسته به نوع نگرش و نظامی که به وسیله آن به اداره امور جامعه می‌پردازند به این پدیده واکنش نشان می‌دهند. این واکنش‌ها عمدتاً به دو دسته اقدامات کوتاه مدت یا ضربتی و بلند مدت یا ساختاری تقسیم می‌گردند (عباسی نژاد ۱۳۹۱، ص ۵).

در این تحقیق به بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم (سرقت) در ایران می‌پردازد. در واقع کوشش شده است با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی تاثیر عوامل اقتصادی بر جرم سرقت در ایران بررسی شود.

۳-۱ ضرورت انجام تحقیق و محدودیت‌ها

از مهم‌ترین دلایل ضرورت این مطالعه می‌توان به کمبود مطالعات انجام شده در این زمینه و با رویکرد دینامیکی اشاره کرد. به دلیل اینکه مطالعات انجام شده در این باره در کشور کم می‌باشد و یا به روش دینامیک نیستند.

به لحاظ اهمیت این مسئله که جرم و جنایت هر روز در حال گسترش است از این رو مطالعه و تحقیق در این موضوع باعث علم و آگاهی از این مسئله خواهد شد و سیاست‌گذاران با جدیت بیشتری به این موضوع می‌پردازند. و لزوم برخورد قاطع مسئولین با این پدیده و موضوع را می‌رساند.

از جمله محدودیت‌هایی که باید ذکر شود این است که متغیرهای شخصیتی، اجتماعی و امنیتی می‌باشند که آن‌ها را ثابت فرض نمودیم.

۴-۱ اهداف و فرضیات

• اهداف

- بررسی اثر بیکاری بر روی جرم (سرقت).
- بررسی اثر نابرابری درآمدی بر روی جرم (سرقت).
- بررسی اثر فقر بر روی جرم (سرقت).

• فرضیات

- با افزایش بیکاری نرخ جرم (سرقت) در ایران افزایش می‌یابد.
- با افزایش نابرابری درآمدی نرخ جرم افزایش می‌یابد.
- با افزایش فقر میزان نرخ جرم افزایش می‌یابد.

۵-۱ روش تحقیق

این تحقیق از حیث روش جمع‌آوری داده‌ها دارای روش کتابخانه‌ای، از حیث مدلسازی دارای روش تحلیل آماری و از حیث تحلیل نتایج، توصیفی آماری می‌باشد. در این مطالعه به منظور بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم (سرقت) در ایران از مدل اقتصادسنجی استفاده شده است. در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. ابتدا بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده برای دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۲، به کمک نرم‌افزار استاتا ۱۴ محاسبه شده و سپس در چارچوب آمار توصیفی، روابط بین عوامل اقتصادی و جرم مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۶-۱ خلاصه فصل‌ها

این پایان‌نامه از پنج فصل تشکیل شده است که به شرح زیر می‌باشد.

فصل اول به کلیات تحقیق از جمله طرح تحقیق و بیان مسئله، ضرورت انجام آن و اهدافی که دنبال می‌کند، و همچنین روش و چگونگی انجام تحقیق می‌پردازد.

فصل دوم به مرور ادبیات و پیشینه تحقیق در زمینه اقتصاد و جرم می‌پردازد.

فصل سوم به روش تحقیق و بیان مدل می‌پردازد. که روش *ARDL* دینامیک استفاده شد و داده‌های این تحقیق از مرکز آمار ایران و بانک مرکزی استخراج شد.

فصل چهارم به آزمون‌های استفاده شده برای رسیدن به هدف پایان‌نامه که بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم (سرقت) می‌باشد می‌پردازد. در این قسمت مدل استفاده شده به روشنی توضیح داده شده است.

فصل پنجم به بیان نتایج و تفسیر آن‌ها می‌پردازد. همچنین ارائه پیشنهادات برای مطالعات آتی در این حوزه را به محققان بیان می‌کند.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش

۲-۱ مقدمه

در این فصل ادبیات تحقیق را مرور و اطلاعات مناسب را از میان داده‌ها و متون علمی و تجربی بررسی خواهد شد. این بررسی به محقق کمک می‌کند به موضوع اشراف یابد. آشنایی وسیع و عمیق با پیشینه تحقیق، به محقق کمک می‌کند که افق اندیشه‌هایش را بگستراند و از مرز تعبیرهای قبلی فراتر رود.

چنین معرفتی، استعداد دید تحلیلی و انتقادی را در محقق پرورش می‌دهد و او در موضوع تحقیق چیزهایی را می‌تواند ببیند که دیگران بدون این مطالعه و بررسی نمی‌توانند ببینند و معانی را در می‌یابد که دیگران نمی‌یابند و پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که از مخیله دیگران خارج است.

هر کار تحقیقی در پیوستاری قرار می‌گیرد که از پژوهش‌های قبلی تاثیر پذیرفته و بر تحقیقات بعدی تاثیر می‌گذارد، بنابراین طبیعی است که محقق با تحقیقات قبلی که درباره موضوعات مشابه صورت گرفته است، آشنایی حاصل کند و نسبت به وجوه شباهت و افتراق کار خود با دیگر پژوهش‌ها آگاهی یابد.

در این فصل محقق تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از متون متعدد، شناخت مناسب و کافی از بررسی‌های قبلی انجام شده پیدا کند و زمینه‌های تحقیق خود را بر آن بنا، سپس جنبه‌های نوآورانه تحقیق خویش را ارائه دهد. با توجه به موضوع پژوهش حاضر، منابع متعددی به روش‌های مختلف، می‌تواند بررسی شود. برخی از این منابع به صورت کتاب یا مقاله منتشر شده است، در ضمن منابع ارزشمند علمی در پایگاه‌های مجازی وجود دارد که محقق کوشیده است از این منابع استفاده نماید.

۲-۲ تعریف جرم

از جرم با توجه به حوزه مطالعه آن می‌توان تعاریف متعددی ارائه داد. به عنوان مثال از دیدگاه حقوقی جرم بر اساس قانون کشورها تعریف می‌شود، اما از دیدگاه جامعه‌شناسی معیارهای جامعه‌شناختی آن مدنظر قرار می‌گیرد. اما با توجه به اینکه ماهیت وجود جرم در جامعه بر اساس قوانین تدوین شده در آن جامعه مشخص می‌گردد بنابراین، در اغلب موارد، تعریف جرم بر اساس رویکرد حقوقی آن مدنظر قرار می‌گیرد.

بر اساس دیدگاه حقوقی «نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز ننماید و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می‌شود» (قاسمی روشن، ۱۳۷۹). بعضی دیگر نیز هر فعل یا ترک فعلی را که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل نماید و قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد، جرم نامیده‌اند (همان). به عنوان مثال در قوانین جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده ۲ قانون مجازات‌های اسلامی مصوب هشتم مرداد ۱۳۷۰ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود. همچنین بر اساس ماده ۳ قانون مذکور قوانین جزایی درباره‌ی همه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری برای آن مقرر شده باشد. بر اساس همین قانون اعمالی که برای آنها مجازات در نظر گرفته شده است، عبارتند از:

۱. زنا^۱، ۲. لواط^۲، ۳. مساحقه^۳، ۴. قوادی^۴، ۵. قذف^۵، ۶. استعمال نوشیدنی سکرآور، ۷. محاربه و فساد فی الارض، ۸. سرقت^۶، ۹. قتل عمد^۷، ۱۰. اقدام علیه امنیت ملی، ۱۱. اهانت به مقدسات مذهبی و سوقصد به داخلی و خارجی، ۱۲. تهیه و ترویج سکه‌های تقلبی، ۱۳. جعل و تزویر^۸، ۱۴. محو یا شکستن مهر و پلمب و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی، ۱۵. فرار محبوسین و اخفای مقصرین، ۱۶. غصب عناوین و مشاغل، ۱۷. تخریب اموال تاریخی و فرهنگی، ۱۸. تقصیرات مقامات و ماموران دولتی، ۱۹. ارتشا، ربا و کلاهبرداری^۹، ۲۰. امتناع از انجام وظایف قانونی، ۲۱. تعدیات ماموران دولتی نسبت به دولت، ۲۲. تمرد نسبت به ماموران دولتی، ۲۳. هتک حرمت اشخاص، ۲۴. اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم، ۲۵. تهدید و اکراه^{۱۰}، ۲۶. خیانت در امانت، ۲۷. افتراء، توهین و هتک حرمت، ۲۸. تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی، ۲۹. تخلفات رانندگی.

¹ Adultery

² Sodomy

³ Lesbianism

⁴ Panderism

⁵ Qazf

⁶ Theft

⁷ Murder

⁸ Adulteration

⁹ Bribery

¹⁰ Threat

بدین ترتیب در یک جمع-بندی کلی می‌توان گفت از دیدگاه حقوقی جرم عبارت است از «انجام هر فعلی که قانون آن را منع نموده و فاعلش را مستحق مجازات دانسته است». با عنایت به مطالب مذکور، نکته قابل توجه این است که نه تنها جرم بودن یک عمل از نظر یک حکومت در زمان‌های مختلف متفاوت است، بلکه تعریف جرم در کشورهای مختلف نیز متفاوت است. به عبارت دیگر، در حالی که در یک کشور ممکن است ارتکاب (یا ترک) یک فعل جرم تلقی شود، در همان زمان در یک کشور دیگر ممکن است جرمی محسوب نگردد. علاوه بر این موارد ممکن است به دلیل عدم پیش‌بینی سیاستگذاران یک کشور و فقدان تدوین قوانین مشخص، انجام یک عمل از دیدگاه حقوقی جرم شناخته نشود، در حالی که از دیدگاه جامعه نامطلوب شمرده شده و به عنوان بزه به آن نگریسته شود. به عنوان مثال می‌توان انواع جرایم رایانه‌ای را نام برد که در کشورمان هنوز قانون مدونی برای برخورد با آن وجود ندارد.

حوزه جامعه‌شناختی جرم به دلیل در بر گرفتن باورها و اعتقادات مردم یک جامعه، نگرش وسیع‌تری به تعریف جرم دارد. در واقع بر اساس نگرش جامعه به انجام یک فعل، می‌توان آن فعل را جرم تلقی نمود و برای آن قانون مشخصی تعیین کرد. به عبارت دیگر، دیدگاه جامعه‌شناسی به مسئله جرم، آن را به صورت بنیادی و بر اساس اثرهای اجتماعی آن تحلیل می‌نماید و نتیجه تجزیه و تحلیل آن، منجر به تدوین مجموعه‌ای از قراردادهای می‌گردد که به عنوان قوانین جرم شناخته می‌شوند. بنابراین، هنگامی که بحث از میزان جرم در یک جامعه به میان کشیده می‌شود، در حالی که افراد نگرش کاملاً جامعه‌شناسانه به آن دارند، برای هرگونه تجزیه و تحلیل کمی، تنها می‌توانند به مستندات اشاره نمایند که بر اساس تعریف حقوقی جرم، گردآوری شده‌اند.

۲-۲-۱ اثرهای جرم

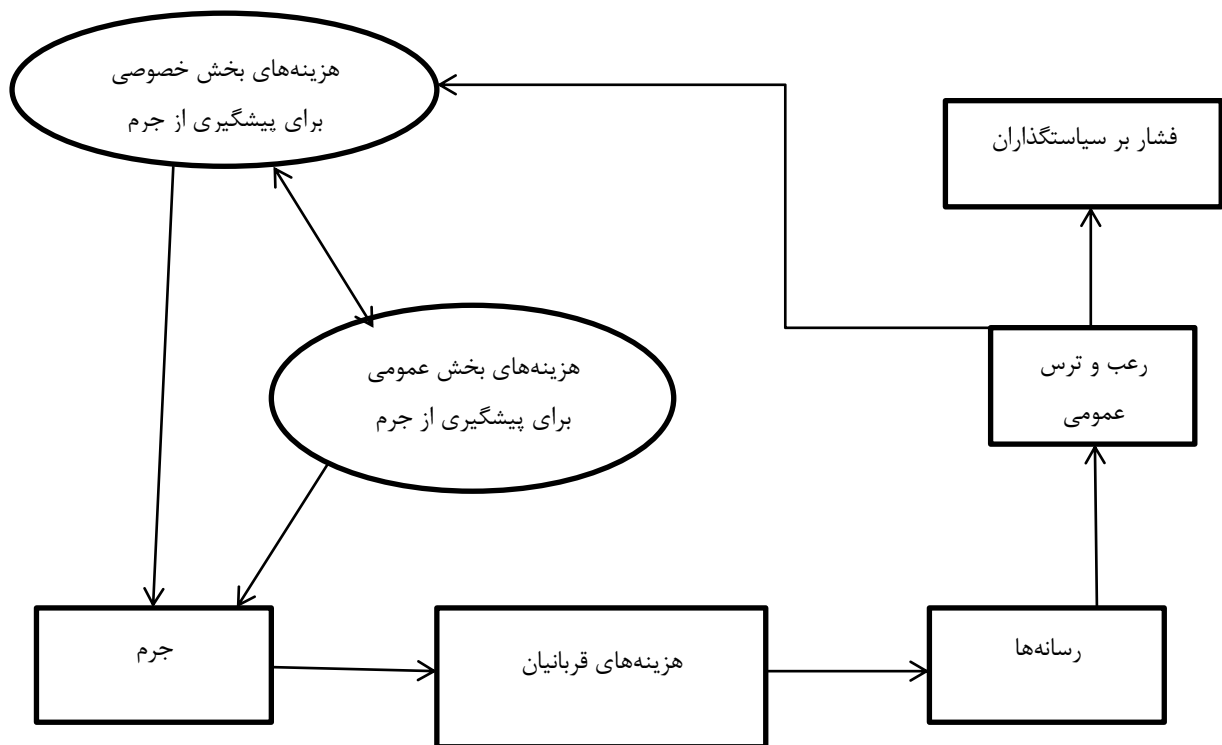
بدیهی است که بروز و گسترش جرم در یک جامعه، اثرهای زیان‌باری را به ویژه به لحاظ اجتماعی خواهد داشت. آثار جرم منجر به تقبل هزینه‌هایی از سوی اجتماع می‌گردد که به طور کلی می‌توان آن را به سه گروه کلی تقسیم‌بندی کرد:

۱. هزینه‌هایی که قبل از بروز جرم ایجاد می‌شوند.

۲. هزینه‌هایی که به هنگام بروز جرم حاصل می‌شوند.

۳. هزینه‌هایی که پس از وقوع جرم به وجود می‌آیند.

برای بهتر نشان دادن این هزینه‌ها از شکل زیر کمک می‌گیریم که در آن فلوجارت روابطی که منجر به ایجاد هزینه‌های جرم می‌گردد، مشخص شده است.



شکل ۲-۱. فلوجارت هزینه‌های ناشی از جرم

همانطور که از فلوجارت بالا مشخص است، جامعه برای کاهش میزان جرم و جنایت، ناچار به تحمل هزینه-های متعددی توسط بخش خصوصی و بخش عمومی است. بخش خصوصی با هدف تامین امنیت خود، در تلاش است با به کارگیری سیستم‌های جدید و پیشرفته امنیتی و نیروی کار (مانند محافظان) خود را از گزند آسیب‌های احتمالی در امان نگاه دارد. علاوه بر هزینه‌های مستقیم مذکور، بخش خصوصی باید هزینه-های غیرمستقیمی نیز بپردازد که اهم آنها عبارتند از:

الف) نقل مکان به مکان‌های امن‌تر که می‌تواند هزینه‌بر باشد.

ب) پرهیز از سپری نمودن اوقات فراغت در خارج از خانه.

ج) افزایش تمایل به بیمه‌های خاصی مانند بیمه سرقت.

د) کاهش قیمت منازل در محل‌هایی که جرم‌خیزترند.

ه) کاهش سرمایه‌گذاری به خاطر تاثیر جرم بر افزایش ریسک (خطر).

و) کاهش کیفیت زندگی به خاطر ایجاد رعب و وحشت.

از سوی دیگر دولت¹ یا بخش عمومی با توجه به وظیفه تامین امنیت جامعه، ناچار است از طریق صرف هزینه در اموری مانند پلیس، بازآموزی و حتی آموزش و غیره در جهت کاهش جرم در جامعه تلاش کند. در این میان، بدیهی است که صرف هزینه در امور جنایی از سوی دولت موجب می‌شود که سهم هزینه‌های دیگری مانند آموزش، بهداشت و یا عمران کاهش یابد که این امر خود نشان‌دهنده هزینه فرصت از دست رفته هزینه‌های انتظامی است.

از طرف دیگر، ارتکاب هر جرمی، مستلزم صرف هزینه نیروی کار و سرمایه‌ای است که به سمت آن سوق داده می‌شود. بنابراین، بخش دوم هزینه‌های جرم به هنگام وقوع آن به وجود می‌آید. و سرانجام پس از وقوع جرم نیز هزینه‌های متعددی حاصل می‌شود که برخی از آن مربوط به قربانیان است مانند از بین رفتن سرمایه-

¹ government

های فیزیکی و انسانی، و بخش بسیار مهم آن به هنگام دستگیری مجرمان ایجاد می‌شود، مانند هزینه‌های مربوط به دادگاه‌ها و زندان.

همچنین می‌توان هزینه‌های بلندمدت دیگری نیز برای خانواده‌های قربانیان و مجرمان به لحاظ آثار احتمالی آن در آینده برشمرد.

بدین ترتیب می‌توان هزینه‌های بالقوه ناشی از جرم را به صورت زیر خلاصه نمود:

۱. تمامی هزینه‌های فرصت ناشی از زمان‌های اختصاص یافته به جرم (توسط مجرمان، قربانیان و یا سیستم‌های نظارت و نگه‌داری).
۲. هزینه‌های مستقیم امنیتی، پلیسی.
۳. هزینه‌های مستقیم بخش خصوصی.
۴. تاثیر سایر بازارها از جمله بر بازار کار.
۵. تاثیر بر کیفیت زندگی خانوارها.
۶. از دست دادن یا از بین رفتن اموال و افراد.
۷. از دست دادن قربانیان و منافع آتی آنها.
۸. هزینه‌هایی که سیستم‌های نگه‌داری از مجرمان (زندان‌ها) متحمل می‌شوند.
۹. تاثیر بلندمدت و آتی بر خانواده‌های مجرمان و قربانیان.

۲-۳ بررسی آمارهای جرم در ایران

پیش از پرداختن به آمارهای موجود در زمینه جرم و جنایت در کشور، ذکر چند نکته مهم است.

نخست آنکه، بدیهی است که آمارهای موجود، میزان واقعی جرم را کمتر از حد برآورد می‌نمایند چرا که تنها براساس پرونده‌های تشکیل شده در کشور پایه‌گذاری شده و ممکن است برخی از جرایم گزارش نشوند. دوم آنکه، باید در نظر داشت که دقیقاً به خاطر مشخص نبودن رقم واقعی جرایم مختلف در کشور، افزایش تعداد

پرونده‌های جرم ممکن است این امر را به ذهن متبادر سازد که میزان جرم و جنایت در جامعه افزایش یافته است، در حالی که این افزایش ممکن است حاصل عملکرد بهتر نیروهای امنیتی و پلیسی در کشف جرایم باشد که این امر نیز با توجه به آمارهای خام در دسترس، ممکن است نتایج گمراه کننده‌ای داشته باشد.

با توجه به آمارهای موجود، به نظر می‌رسد که عدم توجه به دلایل ایجاد جرم و جنایت، عواقب جدی و زیانباری بر جامعه تحمیل می‌کند. این نگرانی به خصوص با توجه به جوان بودن جمعیت و رشد جرم در میان آنها، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. از این رو، به نظر می‌رسد که مطالعه جرم از تمامی جنبه‌های آن شامل جنبه‌های حقوقی، جامعه‌شناختی و اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد. بدین ترتیب، در قسمت بعد، به مرور به نظریه اقتصاد جرم و جنایت می‌پردازیم و در خلال بحث‌های آن، مدل نظری و مفهومی شکل‌گیری جرم را از دیدگاه اقتصادی صورت‌بندی خواهیم نمود.

۲-۴ نظریه اقتصاد جرم و جنایت

اولین اقتصاددانی که به تحلیل اقتصادی موضوع جرم و جنایت پرداخت، فلیشر^۱ (۱۹۶۳) بود. وی به بررسی اهمیت ارتباط میان جرم و شرایط بازار کار از دیدگاه سیاست‌های عمومی پرداخته و علاوه بر آن بر سایر کارکردهای بازار کار مانند تعیین نرخ دستمزد و نحوه توزیع آن، که بر نحوه تخصیص زمان میان فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی، اثر معنی‌داری دارد، توجه و دقت نظر کرده است. فلیشر نتیجه می‌گیرد که «آزمون ارتباط میان نرخ جرم و بیکاری در کنار سایر متغیرهای توضیحی جرم مانند سن، حاکی از آن است که نرخ بیکاری بر جرم و جنایت در جوانان نقش مثبت و معنی‌داری داشته که این نتایج به ویژه برای افرادی که دارای سن ۱۶ سال به بالا هستند، با اعتماد بیشتری پذیرش شده است» (Fleisher, ۱۹۶۳).

فلیشر در مطالعه بعدی خود در سال ۱۹۶۶، به بررسی نقش درآمد بر تصمیم‌گیری افراد در زمینه اقدام به جرم و جنایت پرداخته است. وی بیان می‌کند: «تئوری (نظریه) اساسی در زمینه تمایل بیشتر افراد کم‌درآمد به جرم، این است که کم بودن درآمد، موجب افزایش هزینه نسبی اختصاص زمان به کارهای قانونی می-

¹ Fleisher

گردد»، همچنین «هزینه محتمل ناشی از دستگیری، نسبتاً کم است چرا که آنها (افراد با درآمد کم) درآمد قابل توجهی را برای دوران زندگی خود در زمان اشتغال به کارهای قانونی متصور نبوده و هزینه فرصت زمان اختصاص یافته به جرم و جنایت و یا صرف مدت زمانی از زندگی در زندان چندان زیاد نیست» (فلیشر، ۱۹۶۶). علاوه بر این، فلیشر یادآور می‌شود که اگر درآمد بالقوه ناشی از ارتکاب جرم نیز افزایش یابد، به ویژه در جرم‌های مالکیتی از جمله دزدی، گرایش بیشتری به سمت جرم وجود خواهد داشت.

اگرچه فلیشر اولین فردی بود که تلاش‌های اقتصاددانان را برای توضیح یک رفتار اجتماعی بیان می‌کرد، این بکر^۱ بود که در سال ۱۹۶۸ پایه‌گذار تحلیل‌های اقتصادی رفتارهای جرم‌گرایانه بود. بکر بر این نکته تأکید نمود که جرم یک فعالیت یا صنعت اقتصادی مهم است (بکر، ۱۹۶۸). به زعم وی، افراد بر اساس نظریه انسان عقلایی و با تحلیل هزینه-فایده این موضوع که عواید مادی و غیرمادی جرم نسبت به کارهای قانونی با در نظر گرفتن احتمال دستگیری و مجازات و شدت آنها، بیشتر است، مرتکب جرم می‌شوند. بکر تابع زیان اجتماعی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

$$L = d(c) + TC(\pi, c) + bF\pi c \quad (۱-۲)$$

که در آن D ، زیان ناشی از جرم بوده و TC هزینه جست و جو و دستگیری و $bF\pi c$ کل زیان اجتماعی از دست رفته به خاطر مجازات افراد است. در این میان تاثیر متغیرهای سیاستگذاری در دو متغیر π و F نهفته‌اند که بیانگر کارایی سیستم امنیتی جامعه و میزان مجازات‌های در نظر گرفته شده است.

بدیهی است که جرم هنگامی کاهش می‌یابد که منافع ناشی از آن از طریق افزایش احتمال دستگیری (تقویت نیروهای پلیس) و یا هزینه‌های مجازات، کاهش یابد. همچنین «افزایش درآمد مشروع افراد و یا افزایش در توانایی آنها از طریق آموزش بیشتر منجر به کاهش تمایل افراد برای ورود به کارهای غیرقانونی و در نتیجه کاهش تعداد جرم می‌شود» (بکر، ۱۹۶۸). در تایید همین امر گروگر^۲ (۱۹۹۱) با استفاده از آمار ایالات متحده نشان داده است که افزایش احتمال دستگیری افراد بسیار موثرتر از افزایش زمان زندانی شدن

¹ Gary Becker

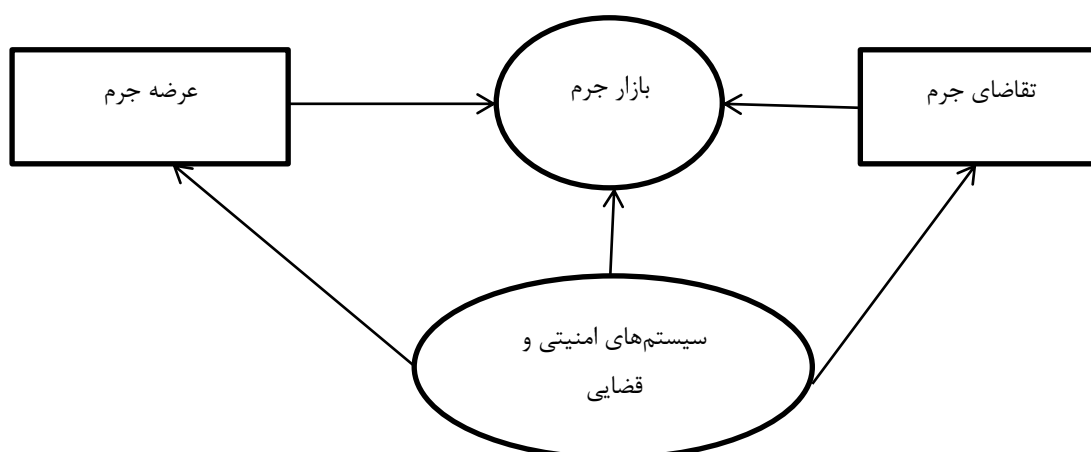
² Grogger

افراد برای کاهش جرم است، چرا که مجرمان "ریسک خنثی"^۱ نیستند. علاوه بر این موارد، بکر نشان داد که شاخص نابرابری درآمد (تعداد افراد دارای درآمدی کمتر از نصف میانه درآمدی) دارای ارتباط معنی‌داری با نرخ جرم و جنایت است.

۲-۵ مدل نظری و تجربی جرم در ایران

در تحلیل اقتصادی موضوع جرم، می‌توان با استفاده از نظریه‌های عرضه و تقاضا به روشنی به مقاصد اصلی رسید. بر این اساس فرض می‌شود که جرم نیز همانند یک کالا دارای عرضه و تقاضاست. قبول این فرض اگرچه برای جرایمی مانند سرقت تا حدودی قابل درک است (چرا که می‌توان عرضه و تقاضای کالای به سرقت رفته را از هم تشخیص داد)، در برخی موارد دیگر مانند قتل کمی دشوار به نظر می‌رسد. این مسئله را می‌توان با بیان این واقعیت که در این گونه موارد، تقاضاکننده و عرضه‌کننده ممکن است یک نفر (خود مجرم) باشد، حل نمود.

از دید کلی بر اساس نظریه‌های مختلف در زمینه جرم، بازار آن شامل دو مولفه عرضه و تقاضا بوده، و علاوه بر آن یک مولفه جدایی‌ناپذیر از آن یعنی سیستم‌های امنیتی و قضایی جامعه است. شکل ۲ نشان‌دهنده شمای کلی بازار جرم است.



شکل ۲-۲. شمای کلی بازار جرم

^۱ Risk-neutral

با توجه به مدل نظری ارائه شده در زمینه نحوه عمل بازار جرم، در این قسمت درصدد تصریح یک مدل اقتصادسنجی هستیم که با استفاده از آن بتوان عوامل موثر بر جرم را شناسایی و تحلیل کرد.

همانطور که اشاره شد، از دیدگاه تحلیل حاضر، برای جرم نیز همانند سایر کالاها و خدمات می‌توان عرضه و تقاضا تصریح نمود که تابعی از عوامل متعدد هستند. با داشتن عرضه و تقاضای جرم می‌توان با حل آن به معادله جرم رسید. به عبارت دیگر، اگر تقاضا و عرضه جرم را به ترتیب با D_c و S_c نشان دهیم، در این صورت خواهیم داشت:

$$D_c = DC(C, X_1) \quad (2-2)$$

$$S_c = SC(C, X_2) \quad (3-2)$$

که در آن C نشان دهنده میزان جرم بوده و X_1 و X_2 به ترتیب نشان دهنده سایر عوامل موثر بر تقاضا و عرضه جرم هستند. با حل سیستم فوق می‌توان نشان داد که:

$$C = f(x_1 \cup x_2) \quad (4-2)$$

که بیانگر این مسئله است که جرم تابعی از متغیرهای اثرگذار بر عرضه و تقاضای آن است. در واقع رابطه مذکور، چیزی جز فرم حل شده سیستم تقاضا و عرضه جرم نیست. از این رو، همانند هر فرم حل شده دیگری، بیانگر مکان هندسی تغییرات جرم در طول زمان با ازای مقادیر متغیرهایی است که در تابع f گنجانده شده است. از سوی دیگر، باید این نکته را مد نظر قرار داد که اگرچه رفتار دو طرف عرضه و تقاضا در شکل‌گیری جرم موثر است، در بروز پدیده جرم تنها مجرم موثر است. از این رو لازم است که تحلیل جرم از دیدگاه فرد مجرم بررسی شود و متغیرهای موثر بر عرضه و تقاضا را بر رفتار مجرم تحلیل نماییم. بدین ترتیب در تشریح مدل تجربی، ما به بررسی نحوه انتخاب از دیدگاه فرد مجرم می‌پردازیم.

اصل موضوعه مهم در پایه‌گذاری این مدل این است که افراد به صورت عقلایی رفتار می‌نمایند. یعنی رفتار خود را بر اساس حداکثرسازی منافع به دست آمده و از طریق تحلیل هزینه-فایده تنظیم می‌کنند. از سوی دیگر، فرض می‌کنیم که افراد ریسک‌خنثی نبوده و نسبت به کارآمد شدن سیستم کشف جرایم و مجازات‌ها

واکنش نشان می‌دهند. بدین ترتیب، فرد هنگامی مرتکب جرم می‌شود که منافع انتظاری ناشی از آن بیش از هزینه‌های آن باشد.

۲-۶ عوامل اقتصادی موثر بر جرم

پذیرش ارتباط ساختار اقتصادی و جرم بر اساس گفته نترل^۱ (۱۹۸۴) به این صورت بیان می‌شود که رفتار افراد تا حدود زیادی با بررسی شرایط محیطی و اجتماعی قابل پیش‌بینی است و رفتارهای نابهنجار و غیرعادی در بحث‌های جرم‌شناسی به عنوان یک عنصر اجتماعی تلقی می‌شود نه عنصری زیست‌شناسی.

بونقر^۲ (۱۹۱۶) بیان می‌کند که عوامل اقتصادی، عاملی اساسی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تاثیرات قابل توجهی نیز روی فعالیت‌های فردی از جمله جرم دارند، به خصوص اگر این عامل اقتصادی سطح فقر، نابرابری درآمدی، و هزینه‌های فرصت اقتصادی باشند. در زیر برخی از عوامل مهم اقتصادی موثر بر جرم مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۶-۱ فقر

یکی از عوامل بسیار مهم در تبیین جرم، فقر است. این عامل در بسیاری از مطالعات نظری و تجربی مورد توجه جدی قرار گرفته است. تلاش برای تبیین ارتباط فقر و جرم بر اساس ارتباط بین عواملی نظیر سوء تغذیه، خانه مسکونی غیربهداشتی، ازدحام و شلوغی محل زندگی و انجام فعالیت‌های غیرقانونی که به عنوان نتیجه‌ای از ناامیدی در کنار ناتوانی برای غلبه بر این شرایط است، بررسی می‌شود.

در ادبیات اقتصادی دو نوع فقر وجود دارد: اول فقر مطلق^۳ (کامل) که از طریق خط فقری که به عنوان تامین حداقل هزینه‌های لازم در زندگی برای کسب رضایت در تامین سلامت و بهداشت تعریف می‌شود، قابل اندازه‌گیری است. دوم، فقر نسبی که در این حالت فرد حداقل‌ها را داشته لیکن نسبت به سایر گروه‌های درآمدی جامعه فقیر محسوب می‌شود. نکته قابل توجه این است که در مطالعات تجربی فقر اثرات مختلفی بر

¹ Nettler

² Bogher

³ Absolute Poverty

جرم از خود برجای گذاشته است. علیرغم اهمیت فقر در تبیین جرم، برخی مطالعات نشان می‌دهند که رابطه منفی بین فقر و جرم وجود دارد (مسنر، ۱۹۸۲). برخی از مطالعات نیز نشان می‌دهند که هیچ‌گونه ارتباطی بین فقر و جرم وجود ندارد. برای مثال، کوتلت^۱ (۱۹۳۵) در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسد که جرم در مناطقی که تغییرات سریع و زودگذر اقتصادی- اجتماعی رخ می‌دهد در مقایسه با نواحی که افراد فقیرند ولی قادر به تامین نیازهای اساسی خود هستند (فقر نسبی)، محسوس‌تر است. همچنین مک کی و شاو^۲ (۱۹۶۹) به این نتیجه رسیدند که فقر به تنهایی نمی‌تواند عامل جرم باشد چون نرخ‌های جرم با تغییر در تعداد افراد فقیر سازگاری و مطابقت زیادی از خود نشان نمی‌دهد. با این وجود، شواهد زیادی مبنی بر اهمیت فقر به عنوان عامل مهم و تعیین کننده وقوع جرم وجود دارد. توجه اساسی نیز در تبیین رابطه فقر و جرم این است که وقتی کسی گرسنه باشد، (غذا) می‌دزد.

فیلیپس^۳ (۱۹۹۱) معتقد است که فشار فقر می‌تواند منجر به بی‌مسئولیتی و در نتیجه سبب انحرافات اجتماعی شود. به نظر وی ایجاد استقلال اقتصادی برای افراد فقیر مهمترین عامل برای ریشه‌کنی و مبارزه با جرم می‌باشد.

فقر به طور مستقیم و یا غیرمستقیم باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. بنابراین استدلال می‌شود در هر جامعه‌ای، نرخ جرم رابطه مستقیم با نرخ فقر داشته باشد و افزایش فقر منجر به افزایش جرم گردد. همچنین مطالعات تجربی در آمریکا نشان می‌دهد که فقر با برخی جرایم مانند سرقت نیز رابطه مثبت دارد (ژاکوب، ۱۹۸۱). در اکثر مطالعات تجربی، نتایج به دست آمده رابطه مثبت بین فقر و جرم را مورد تایید قرار می‌دهند (ویلیامز، ۱۹۸۳)^۴.

¹ Quetelete

² Mackey & shaw

³ Philips

⁴ Baly- Williams

۲-۶-۲ نابرابری درآمدی

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر جرم، نابرابری اقتصادی است. نابرابری اقتصادی عمدتاً از طریق نابرابری درآمدی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نابرابری درآمدی نیز همانند فقر بر اساس تعداد افراد ثروتمند به تعداد افراد فقیر تعریف می‌شود. تفاوت بین نابرابری درآمدی (اقتصادی) با فقر نسبی (یا مطلق) در این است که نابرابری درآمدی مربوط به روش توزیع ثروت در جامعه است، در حالی که فقر مقدار کل ثروت را بر اساس تعداد افرادی که درآمدشان کمتر از خط فقر باشد نشان می‌دهد.

نتایج بدست آمده از مطالعات تجربی نشان می‌دهد که از لحاظ تجربی رابطه بین جرم و نابرابری یکسان نبوده و با توجه به شرایط مختلف اقتصادی متفاوت است. (ارلیچ، ۱۹۷۳)^۱ به این نتیجه رسید که یک رابطه معنی‌دار بین نرخ‌های جرم و سهم تعداد افراد با درآمد پایین‌تر از نصف درآمد میانه در ایالت‌های آمریکا وجود دارد.

آلن^۲ (۱۹۹۶) چندین مطالعه در زمینه ارتباط بین نرخ‌های جرم (در حالت کلی) و نابرابری برای کشور آمریکا انجام داد، لیکن به نتایج کاملاً قطعی دست نیافت. این در حالی است که فریدمن (۱۹۹۶) با قطعیت بیان می‌کند که با حذف اثرات ثابت برای مناطق مرکزی (پایتخت) ایالت‌های آمریکا، هیچ رابطه معنی‌داری بین جرم و نابرابری با استفاده از سری‌های زمانی مقطعی وجود ندارد.

لوایزا و همکارانش^۳ (۲۰۰۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که ضریب جینی وقتی از روش تعمیم یافته گشتاورها (GMM)^۴ و برای سری‌های زمانی تفاضلی برآورد شود، نتایج معنی‌دار نشان نمی‌دهد، این در حالی است که آنها با استفاده از روش آرلانو- باور^۵ به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معنی‌دار بین ضریب جینی و جرم وجود دارد. در کل آنها عنوان می‌کنند که رابطه نابرابری و جرم بستگی به معیارهای اندازه‌گیری شاخص نابرابری داشته و شاخص‌های مختلف نتایج متفاوتی در بر دارد.

¹ Ehrlich

² Allen

³ Loayza & et al

⁴ Generalized method of moments

⁵ Arellano- Bower

آرونسون^۱ (۱۹۸۸) با بهره‌گیری از مطالعات فرانک به این نتیجه می‌رسد در جوامعی که از سطح نابرابری بالاتری برخوردار باشد، نرخ جرم نیز بالا خواهد بود.

کووتر و تامس^۲ (۲۰۰۳) در چارچوب یک تحلیل ریاضی و پس از حداکثرسازی تابع سود مجرم، نتیجه گرفتند مادامی که منفعت نهایی جرم از هزینه نهایی جرم بیشتر باشد، جرم اتفاق می‌افتد که بر این اساس شرایط اقتصادی مانند بیکاری و تورم که هزینه‌ها و منافع جرم را تحت تاثیر قرار می‌دهند، بر نرخ ارتکاب جرم موثرند.

در مطالعات انجام یافته بیلی (۱۹۹۱) و لادبروک^۳ (۱۹۸۸) این نکته به وضوح مشاهده می‌شود که سطح پایین نرخ جرم در ژاپن تا حدودی با توزیع یکنواخت درآمدی در آن کشور قابل تبیین است.

بیلی بیان می‌کند که جامعه ژاپن فاقد تنوع فرهنگی و نژادی بوده و این باعث شده است تا با ایجاد نسل‌های آتی، نابرابری‌های درآمدی افزایش نیابد. به همین دلیل نرخ جرم در این کشور در سطح پایینی قرار داشته است.

۲-۶-۳ بیکاری

بیکاری یکی از متغیرهای مهم کلان اقتصادی بوده و همواره مورد توجه سیاستگذاران کشور بوده و هست. این امر به لحاظ اثرات و تبعات منفی اقتصادی-اجتماعی بیکاری حائز اهمیت است. به طور مشخص بیکاری بر بسیاری از پدیده‌های اجتماعی به خصوص جرم تاثیرگذار بوده و از لحاظ مبانی نظری مورد تایید است.

ناکان^۴ (۱۹۷۰) در مطالعات خود از جامعه ژاپن به مواردی اشاره می‌کند که هر یک در کاهش بروز جرم نقش اساسی ایفا می‌نمایند. وی در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسد که اولاً، شکاف بین بیکاری و اشتغال در ژاپن منجر به افزایش حس یکپارچگی افراد جامعه در گروه‌های کاری می‌شود. بالاخره افراد جامعه هویت

¹ Aronson

² Cooter and Thomas

³ Ladbrook

⁴ Nakane

کاری خود را در موقعیت کاری خود جستجو می‌کنند و در نهایت این طرز تلقی باعث می‌شود تا افراد به اهداف مشترک در گروه، بیشتر بها دهند و این خود در کاهش جرایم علیه افراد (جرایم مالی، فساد اداری و ...) نقش اساسی دارد.

۲-۶-۴ صنعتی شدن و شهرنشینی

باید اذعان داشت که صنعتی شدن و رشد شهرنشینی نیز جزو عوامل مهم زمینه‌ساز جرم محسوب می‌شوند. مطالعات انجام گرفته در آمریکا نشان می‌دهد که صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی در ارتکاب جرم تاثیر به‌سزایی داشته است.

شاو و مک کی^۱ (۱۹۶۹) در مطالعات خود به این نتیجه می‌رسند که نواحی با بزهکاری بالا در ایالت شیکاگو جزو نواحی بوده است که تغییرات صنعتی شدن در آن به سرعت رخ داده و شهرنشینی نیز رشد فزاینده‌ای در این نواحی داشته است. محققان معتقدند که با رشد شهرنشینی و صنعتی شدن، مهاجرت به این مناطق افزایش یافته و منجر به ایجاد تنوع فرهنگی و ارزش‌های مختلف در جامعه می‌شود. در نتیجه، این هنجارها و معیارهای مختلف باعث افزایش فعالیت‌های بزهکاری و مجرمانه شده است.

صنعتی شدن نیز که با افزایش رفاه اقتصادی همراه است، باعث می‌گردد تا قانون شکنی در جامعه افزایش یابد. به طور مثال استاک^۲ (۱۹۸۲) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که با افزایش تولید کالاها، جرایم مالی نیز افزایش خواهد یافت.

به طور کلی می‌توان استدلال کرد که با صنعتی شدن و رشد شهرنشینی و به دنبال آن مهاجرت‌های بی‌رویه به سوی شهرهای بزرگ، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی متنوع‌تر شده و این تنوع منجر به ایجاد ناهنجاری و بروز ضد ارزش‌ها و در نتیجه افزایش رفتارهای مجرمانه می‌شود.

¹ Mackey & shaw

² Stuck

شایان ذکر است که در کنار عوامل اقتصادی مذکور، عوامل اجتماعی نظیر فرهنگ جامعه، جنسیت و ... نیز در ارتکاب جرم اثرگذارند.

۲-۶-۵ تورم

برخلاف ارتباط بین بیکاری و جرم، رابطه تورم و جرم رابطه مثبتی است. با فرض ثابت بودن دستمزدها، افزایش تورم منجر به کاهش قدرت خرید افراد و افزایش هزینه زندگی آنها می‌شود. در چنین وضعی، افراد قادر به حفظ استاندارد زندگی خود در سطحی همانند قبل از افزایش تورم نیستند؛ بنابراین امکان افزایش میزان جرم وجود دارد. البته باید توجه کرد که کاهش قدرت خرید مردم به واسطه افزایش تورم، تدریجی است و بنابراین؛ این اثر سریع اتفاق نمی‌افتد و این احتمال وجود دارد که فرد فقط برای حفظ استاندارد زندگی خود وارد فعالیت‌های مجرمانه شود.

لات^۱ (۱۹۹۰) دسترسی نسبتاً محدود فقرا به بازارهای سرمایه را علت افزایش ارتکاب جرم می‌داند؛ اما دوین و همکاران^۲ (۱۹۸۸) از سه عامل به عنوان عواملی یاد می‌کنند که باعث ایجاد رابطه مثبت بین تورم و جرم می‌شود:

۱. وقفه بین قیمت‌ها و تعدیل دستمزدها: این محققان بیان می‌کنند که به دلیل وجود این وقفه، افزایش تورم باعث کاهش درآمد واقعی کارگران غیرماهر شده و انگیزه و احتمال وارد شدن در فعالیت‌های مجرمانه را افزایش می‌دهد؛ همچنین به دلیل افزایش تقاضای افراد در بازارهای غیرقانونی هنگام تورم، مجرمان اموال افزایش تورم را به عنوان پاداش تلقی می‌کنند و بنابراین این احتمال تقویت می‌شود.

۲. تخریب اعتماد به ترتیبات نهادی موجود: تورم باعث از بین رفتن اعتماد و بنابراین، از دست رفتن کنترل‌های سرمایه‌ای می‌شود.

¹ Lott

² Devin & et al

۳. فرسوده کردن توان اقتصادی جوامع: برای مبارزه با جرائم، اعتباراتی در هر جامعه تخصیص داده می‌شود؛ بنابراین در وضع عادی هر جامعه، سطحی از پیشگیری از جرائم وجود دارد. تورم باعث خواهد شد که توان اقتصادی جامعه تحلیل رفته و دیگر نتوان همان سطح قبلی پیشگیری از جرائم را حفظ کرد.

۲-۶-۶ تراکم جمعیت

جامعه شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم برخی رفتارهای انحرافی نظیر خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو مورد بررسی قرار دادند و هدفشان درک تاثیر عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، بعد خانوار، تراکم و مهاجرت و عوامل بوم شناختی نظیر قومیت، نژاد و محل سکونت بود. آنها بر بی‌سازمانی اجتماعی تاکید نموده و جرم و بزهکاری را مورد مطالعه قرار دادند (احمدی، ۱۳۸۳).

با توجه به تاکید عمده‌ایی که از این نظریه‌ها بر مسئله تراکم جمعیت، حجم جمعیت و عوامل بوم شناختی و جمعیت شناختی مکتب شیکاگو می‌باشد.

برگس^۱ یکی از صاحب نظران اصلی این مکتب معتقد بود که توسعه شهر همانند دواير متحدالمرکزی شکل می‌گیرد که در هر یک از این دایره‌ها فعالیت خاصی در جریان است. دایره ۱ محل فعالیت‌های تجاری منطقه ۲ تحت عنوان منطقه در حال تغییر و تبدیل نام‌گذاری شده و منطقه‌ای است که هسته اصلی شهر را احاطه کرده؛ منطقه ۳ محل سکونت کارگران و منطقه ۴ محل سکونت طبقه متوسط و منطقه ۵ محل سکونت طبقات مرفه جامعه می‌باشد که به شهر رفت و آمد دارند (ممتاز، ۱۳۸۱).

برگس بر این باور است که در منطقه انتقالی (منطقه ۲) به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، میزان بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین میزان جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود. این منطقه در یک دایره سکونتگاهی در مجاورت مرکز شهر که منطقه‌ای تجاری است قرار دارد. در مقابل، آخرین دایره سکونتگاهی کلان‌شهر که دایره پیرامون شهر می‌باشد با پایین‌ترین میزان جرم و بزهکاری مواجه است، عدم

¹ Bergess

ثبات جمعیتی و بوم شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردهای نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و کنترل رفتار ساکنین می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۳).

پارک^۱ معتقد است که نواحی شهری از پیشرفت و بهبود انگیزه‌های ساکنین جلوگیری نموده و باعث رواج انحرافات اجتماعی می‌گردد. سازمان فیزیکی شهر تاثیری عمیق بر الگوهای فرهنگی- اجتماعی زندگی شهری می‌گذارد (ساجر، ۱۹۸۷).

یکی از پیش‌فرض‌های اساسی پارک و برگس این است که آن دسته از حوزه‌های درون شهری تجری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده‌اند ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند (احمدی، ۱۳۸۳).

۲-۷ پیشینه تحقیق

۲-۷-۱ مطالعات خارجی

ارلیچ^۲ (۱۹۷۳) با وارد کردن درآمد و نحوه توزیع آن به مدل بکر، تحلیل‌های جرم را بسط بیشتری داد. وی اشاره می‌کند که عایدی یک جرم (به ویژه جرم مالکیتی) اساساً به درآمد قربانیان بالقوه بستگی دارد. ارلیچ فرض می‌کند که می‌توان «میانگین فرصت‌های قانونی در دسترس برای مجرمان بالقوه» را با استفاده از «میانگین سطح درآمد افرادی که دارای درآمدی کمتر از میانه درآمدی افراد جامعه هستند» تقریب زد. در این شرایط برای یک میانه درآمدی مشخص و داده شده، نابرابری درآمدی می‌تواند حاکی از شاخصی برای نشان دادن تفاوت پرداختی به فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی باشد. ارلیچ در مدل اقتصادسنجی خود با استفاده از آمار ایالت متحده در سال ۱۹۶۰، دریافت که خانوارهای بالای میانه درآمدی نسبت به دیگر

¹ Park

² Ehrlich

گروه‌ها بیشتر در معرض مواجهه با قتل‌ها، گروگانگیری، آدم ربایی، تجاوز و به ویژه جرم‌های مالکیتی هستند.

جوکوئیست^۱ (۱۹۷۳)، با پیروی از روش بکر، مدلی پایه‌گذاری نمود که در آن افراد با فرض داشتن زمان ثابت، آن را میان کارهای قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌نمایند که در آن هزینه‌های مالی و روانی و عایدی انتظاری ناشی از جرم در تصمیم‌گیری آنها موثر است. وی با تصریح تابع مطلوبیتی از نوع فون نیومن-مورگنسترن^۲، آن را با قید زمان حداکثر می‌نماید. جوکوئیست، مدل مورد نظرش را با استفاده از داده‌های سال ۱۹۶۰ برای ۵۳ شهرداری ایالت متحده با مشاهداتی از ۲۵ تا ۲۰۰ هزار نفر آزمون نموده و نتیجه می‌گیرد که افزایش نسبت دستگیرشدگان به تعداد جرم‌ها (کارایی نیروهای امنیتی و انتظامی)، میزان جرم را کاهش می‌دهد چرا که هزینه‌های انتظاری جرم را می‌افزاید و مطلوبیت انتظاری را می‌کاهد.

مطالعه مهم بعدی را بلاک و هینکه^۳ (۱۹۷۵) انجام داده‌اند که روش دیگری برای فرموله ساختن نحوه انتخاب جرم توسط افراد بیان نمودند. آنها با مد نظر قرار دادن مدل ارلیچ و جوکوئیست، اظهار می‌دارند که:

«به طور مشخص بکر، ارلیچ و جوکوئیست، نتایج فعالیت‌های غیرقانونی زمان‌بر را تنها بر اساس توزیع ثروت و بدون حل یک مسئله انتخاب چند بعدی به دست می‌آورند. بدین ترتیب آنها به جواب‌هایی رسیده‌اند که تنها در یک حالت خاص، ممکن است رخ دهد» (بلاک و هینکه، ۱۹۷۵).

درواقع مهم‌ترین انتقاد بلاک و هینکه به مدل‌های قبلی، مربوط به تعریف رفتار جرم‌گرایانه به عنوان مسئله-ای در راستای ثروت افراد، است. آنها، زمان صرف شده در کارهای قانونی و غیرقانونی را به روشی متفاوت در تابع مطلوبیت وارد نموده‌اند، به نحوی که تخصیص زمان به صورت ضمنی بر ثروت افراد موثر است. به زعم آنها «با در نظر گرفتن نظریه رجحان به صورتی که گذشتگان در نظر گرفته‌اند، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های دیگر، نمی‌توان تاثیر متغیرهایی مانند ثروت، مجازات‌ها و ... را بر جرم به وضوح نشان داد»

¹ Sjoquist

² Von Neumann-Morgenstern

³ Block & Heinke

(بلاک و هینکه، ۱۹۷۵). در واقع آنها نشان می‌دهند که اگر زمان اختصاص یافته به فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی به صورت صریح وارد تابع مطلوبیت شود، بر اساس نظریات کلاسیک رجحان نمی‌توان هیچ اثر ایستای تطبیقی را استخراج نمود؛ چرا که افزایش بازدهی فعالیت‌های مجرمانه نسبت به سایر فعالیت‌های قانونی، هم دارای اثر ثروت است و هم اثر جانشینی؛ از این رو، برای آنکه اثر جانشینی به خوبی دیده‌شود، اثر ثروت باید با قیودی محدود گردد.

همراه با تاثیر شرایط اقتصادی بر میزان جرم، یکی از موضوعات اصلی که به خصوص بکر و ارلیچ بر آن تاکید کرده‌اند، تاثیرگذاری عملکرد نیروهای امنیتی پلیس، و همچنین شدت مجازات اعمال شده بر سطح فعالیت‌های بزهکارانه است. براین اساس فرض شده بود، افرادی که تمایل به ارتکاب جرم دارند، خطر دستگیری و میزان مجازات‌ها را نیز مدنظر قرار می‌دهند. ارلیچ با استفاده از مطالعات خود در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۹۶ این موضوع را در ایالات متحده بررسی کرده است.

در این تحلیل، موضوع کشف جرایم و کیفر مجازات‌ها و شدت آنها از دو دیدگاه مد نظر قرار می‌گیرد. همچنان که ارلیچ (۱۹۸۱) نشان داده است، تاثیر سیاست‌های مذکور در صدد تعدیل هزینه‌های ارتکاب جرم برای همه مجرمان بالفعل و بالقوه است، در حالی که از دیدگاه ناتوان‌سازی، درصدد حذف بازار جرم برای گروهی از مجرمان مثلاً از طریق تبعید و یا افزایش دوره حبس آنهاست (ارلیچ، ۱۹۸۱).

از آنجا که اغلب مجازات‌های ناتوان‌سازی مجرمان، همچنین شامل اثرهای بازدارندگی است، برآورد تجربی آثار هر یک از آنها به صورت مجزا مشکل است. در یکی از معدود مطالعات انجام شده در این زمینه با استفاده از یک برآورد رگرسیونی برای داده‌های ایالات متحده در سال ۱۹۶۰، ارلیچ نتیجه گرفته است که مهم‌ترین تاثیر مجازات‌ها از طریق اثر بازدارندگی آنها به وجود می‌آید.

یکی دیگر از تاثیرات مهم اثر بازدارندگی به خاطر مسئله ریسک نمود پیدا می‌کند، زیرا در حداکثرسازی مطلوبیت انتظاری افراد از درآمدهای غیرقانونی، یک کارگزار اقتصادی بسته به درجه خطری که حاضر به پذیرش آن است، واکنش نشان می‌دهد. به عنوان مثال بکر و ارلیچ در تحلیل‌هایشان نشان دادند که یک فرد

ریسک خنثی نسبت به یک فرد ریسک گریز زمان بیشتری به کارهای غیرقانونی اختصاص می‌دهد. علاوه بر این، بکر با در نظر گرفتن یک فرد ریسک گریز در مدل خود نشان می‌دهد که افزایش احتمال دستگیری افراد، ممکن است تاثیر بازدارندگی بیشتری نسبت به افزایش شدت مجازات‌ها داشته باشد.

جون، مورفی و پیرس^۱ (۱۹۹۳)، به بررسی اثر نابرابری دستمزد و افزایش بازدهی متخصصان در ایالات متحده پرداخته‌اند. آنها نشان می‌دهند که طی سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۹، متوسط دستمزد هفتگی مردان تا ۲۰ درصد افزایش یافته، اما این افزایش برای همه به طور یکسان رخ نداده است. در حالی که دستمزد نیروی کار ساده حتی به میزان ۵ درصد در دوره مورد اشاره کاهش داشته، دستمزد نیروی کار متخصص تا ۴۰ درصد افزایش داشته است. دلیل چنین تفاوت‌هایی را می‌توان به خاطر تغییر تقاضا به سمت نیروی کار متخصص دانست. چنین نابرابری‌هایی در برخی از مطالعات به عنوان دلیل اصلی جرم شناخته شده است. به عنوان مثال، کلی^۲ (۲۰۰۰) موضوع تاثیر نابرابری بر جرم را به آزمون تجربی رسانده است.

به زعم کلی (۲۰۰۰)، هرگاه افرادی با سطح زندگی پایین و فقیر در مجاورت افرادی با سطح زندگی بالا و فرصت‌های بیشتر قرار گیرند، بازدهی انتظاری جرم افزایش می‌یابد. علاوه بر این، بر اساس نظریه کشش مرتون معمولاً افراد مختلف دارای اهداف یکسانی برای کسب موفقیت هستند، اما فرصت‌های قانونی برای رسیدن به این اهداف به طور برابر توزیع نشده است. در این شرایط به زعم مرتون «... افراد برای دستیابی به اهداف مورد نظرشان، اگر بتوانند از روش‌های قانونی استفاده می‌کنند و اگر لازم باشد، مرتکب جرم خواهند شد» (سانچز و همکاران، ۲۰۰۲)^۳.

بدین ترتیب افرادی که دارای فرصت‌های کمی هستند، به ویژه با مقایسه خود با جامعه، درصدد آن برمی‌آیند که از طریق انجام کارهای غیرقانونی به اهداف مورد نظرشان دست یابند. هرچه این نابرابری بیشتر باشد، فشار بر اقبال کم درآمد بیشتر خواهد شد. کلی، در مقاله خود به نکته مهمی اشاره می‌نماید:

¹ Juhn, Murphy & Pierce

² Kelly

³ Sanchez & et al

«در بررسی اثرهای اجتماعی نابرابری، اقتصاددانان اغلب به اثرهای بلندمدت آن توجه می‌نمایند، مانند کاهش رشد اقتصادی و کاهش تشکیل سرمایه انسانی... (اما) این مقاله به بررسی اثر بسیار سریع‌تر آن (در کوتاه‌مدت) می‌پردازد: تاثیر آن بر جرم».

کلی، نشان می‌دهد که برای جرم‌های جنایی (مانند قتل عمد)، تاثیر نابرابری حتی در حضور متغیرهایی مانند فقر، نژاد و ترکیب خانوار، بسیار زیاد است. بررسی آمارهای مورد استفاده وی نشان داد که اگر تمایل بیشتری برای ارتکاب جرم وجود داشته است.

بوردت، لاگوس و رایت^۱ (۱۹۹۹) به بررسی تاثیر شرایط اشتغال و نابرابری دستمزد بر جرم پرداخته‌اند. آنها یک مدل پویای بازار کار را طرحی نموده‌اند که در آن کارگزاران در زمینه مشارکت در جرم‌های مالکیتی تصمیم می‌گیرند. مبنای مدل آنها بر پایه مطالعه قبلی آنهاست که در آن بنگاه‌ها دستمزد را تعیین نموده، و کارگزاران به طور تصادفی در جست و جوی کار هستند. در شرایطی که اثر جست و جو در بازار کار برقرار باشد، هر کارگری به تناوب با فرصت‌های بازار جرم از طریق مقایسه عایدی آن و بازارهای قانونی، مواجه می‌شود و تصمیم خود را برای ورود به آن از طریق تحلیل هزینه-فایده انجام می‌دهد. در این شرایط تصمیم کارگزاران بستگی به وضعیت بازار کار، احتمال دستگیری و مجازات و همچنین شدت مجازات‌ها دارد. آنها برای بررسی ارتباط متقابل بیکاری، جرم و نیز نابرابری، مدلی طراحی نموده‌اند که در آن هر سه متغیر فوق به صورت درونزا تعیین می‌شوند. در مدل آنها چهار تعادل مختلف ممکن است روی دهد که در یکی از آنها کارگران شاغل به دو گروه تقسیم و در نهایت مشخص می‌شود، آنهایی که دستمزد بالاتری دریافت می‌کنند، در مقایسه با کسانی که دستمزد کمتری می‌گیرند، کمتر مرتکب جرم می‌گردند.

در سال‌های اخیر یکی از تلاش‌های مهم در زمینه اثرهای متقابل اشتغال و گرایش افراد به جرم بررسی امروقلو، مرلو و راپنت^۲ (۲۰۰۱) است. آنها پیش بینی کرده‌اند که بر اساس آمار سال ۱۹۸۰ ایالات متحده، ۷۹ درصد افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، شاغل بوده، و بدین ترتیب آنها نتیجه گرفته‌اند که تلاش‌ها در

¹ Burdett, Lagos & Wright

² Imrohoraglu, Merlo & Rupent

جهت کاهش بیکاری اثر معنی‌داری بر کاهش جرم نخواهد داشت. آنها برای توجیه این نتیجه‌گیری، مدعی شده‌اند که اگر چه در سال ۱۹۹۶ نرخ بیکاری نسبت به سال ۱۹۸۰ کاهش داشته، بیکاری برای گروه جوان کاهش چندانی نداشته است. بدین ترتیب آنها نتیجه می‌گیرند که در تحلیل اثر نیروی کار بر جرم، تجزیه بازار کار بر اساس هرم سنی، باید مد نظر قرار گیرد.

وینبرگ و موستارد^۱ (۲۰۰۲) بیان می‌نمایند که مطالعات قبلی تنها به اثر نرخ بیکاری بر جرم پرداخته است و از این رو، نتایج چندان مطمئنی به دست نیآورده‌اند. به زعم آنها برای بررسی دقیق‌تر باید نرخ دستمزد نیز در کنار نرخ بیکاری مد نظر قرار گیرد. چنین رویکردی را وایت و دیگران^۲ (۱۹۹۸) در انگلستان و ولز به کار گرفته‌اند. نتایج، حاکی از آن بوده است که کاهش مداوم نرخ دستمزد نیروی کار ساده و همچنین افزایش بیکاری مردان، تاثیر مثبتی بر افزایش جرم داشته است.

مطالعات ژاکوب و بلو^۳ (۱۹۸۱-۸۲) نیز نشان می‌دهد که در آمریکا اولاً نابرابری درآمدی به طور کلی با برخی جرایم نظیر سرقت رابطه مثبت معنی‌دار دارد، ثانیاً اثر نابرابری‌های درآمدی و اقتصادی بر روی جرایمی نظیر قتل نتایج ناسازگاری را نشان می‌دهند. بلو به این نتیجه رسید که دلیل اصلی جرم‌های شدید در آمریکا نابرابری درآمدی بوده است، بخصوص اگر این نابرابری با عواملی از قبیل تفاوت‌های نژادی نیز همراه شود. این در حالی است که مسنر (۱۹۸۲) و ویلیامز (۱۹۸۴) در مطالعات خود نتوانستند به هیچ رابطه معنی‌دار بین نابرابری اقتصادی و نرخ قتل (عمدی) دست یابند.

مطالعات صورت گرفته در آمریکا نیز نشان می‌دهد که علاوه بر اثرات فقر و نابرابری‌های اقتصادی، بیکاری نیز رابطه مثبت و معنی‌دار با جرایم مالی نظیر سرقت دارد (Jacobs, ۱۹۸۱). این در حالی است که مطالعات در زمینه نرخ بیکاری و جرایم علیه اشخاص (قتل، ضرب و شتم، ...) دارای نتایج ناسازگاری بوده‌اند، به طوری که در مطالعه ژاکوب (۱۹۸۱) رابطه بین نرخ بیکاری و جرایم علیه اشخاص مثبت بوده، ولی در

¹ Weinberg & Mustard

² Witte et al

³ Jacobs & Blow

مطالعه کروچفیلد و همکارانش^۱ (۱۹۸۲) این رابطه برای کشور آمریکا منفی گزارش شده است. در تحقیقات اسپکتور (۱۹۷۵) نیز هیچ رابطه معنی‌داری بین نرخ بیکاری و جرایم علیه اشخاص مشاهده نشده است.

در مطالعه‌ای دیگر، کندی و همکارانش^۲ (۱۹۹۱) دریافتند که یک رابطه منفی بین نرخ بیکاری و قتل (عمد) در کانادا وجود دارد. آنها معتقدند که بیکاری ظاهری (اسمی یا ساختگی)، به خودی خود، به کمک بیمه‌های بیکاری و حمایت‌های رفاهی باعث ایجاد شرایط وخیم اقتصادی نمی‌شود، به طوری که رکودهای اقتصادی با مساعدت‌های دولت منجر به ثبات بیشتر در جامعه و کاهش نرخ قتل می‌شود. همچنین مطالعات دیگر نظیر مطالعه وانگ^۳ (۱۹۹۵) و ژانگ^۴ (۱۹۹۷) و ... نیز حاکی از تاثیر مثبت و معنی‌دار نرخ بیکاری بر روی جرم است.

اسمیت^۵ در تحقیقات خود به این نتیجه می‌رسد که با مهارت‌های بی‌رویه به شهرها و در نتیجه توسعه شهرنشینی، فعالیت‌های مجرمانه افزایش می‌یابد. افراد فقط هنگامی تصمیم به رفتار مجرمانه و خلاف قانون می‌گیرند که بدانند شانس موفقیت، بیشتر از ریسک فعالیت مجرمانه است و چون در شهرهای بزرگ دو پیش‌شرط ناشناس بودن و تا حدودی آزادی عمل و خودمختاری بیشتری وجود دارد در نتیجه افراد بیشتر به انجام فعالیت‌های مجرمانه و بزهکاری‌ها تشویق می‌شوند، به طور مثال، هر چقدر منطقه‌ای که سرقت در آن اتفاق می‌افتد بزرگتر باشد، احتمال شناسایی مجرم کاهش خواهد یافت.

ارلیچ (۱۹۷۳) در مطالعه خود با استفاده از روش پانل دیتا^۶ و با لحاظ کردن اثرات ثابت برای مقطع زمانی ۱۹۵۰-۵۱ در پنجاه ایالت آمریکا به بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی اثرگذار بر جرم پرداخته است. متغیر وابسته در مدل تصریحی ارلیک نرخ ارتکاب سرقت گزارش شده توسط پلیس آمریکا بوده و متغیرهای توضیحی بکار رفته در مدل وی عبارت بودند از: نرخ زندانی، متوسط نرخ جرایم گزارش شده توسط پلیس آمریکا، ضریب جینی، نرخ بیکاری. کشش‌های به‌دست آمده از تخمین نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی

¹ Cruchfield & et al

² Kennedy & et al

³ Wang

⁴ Zhang

⁵ Smith

⁶ Panel Data

در نرخ زندانی و نرخ متوسط جریمه به ترتیب ۰/۵۳ و ۰/۹ درصد از ارتکاب سرقت در ایالت‌های آمریکا می‌کاهد، این در حالی است که افزایش یک درصدی در ضریب جینی و نرخ بیکاری سرقت را به ترتیب ۱/۷۹ و ۲/۰۴ افزایش می‌دهد.

چاپمن^۱ (۱۹۷۶) در مطالعه‌ای از ۱۴۷ شهر مختلف کالیفرنیا و در دو مقطع زمانی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با استفاده از روش پانل دیتا و بکارگیری روش حداقل مربعات معمولی بر روی سطوح متغیرها به بررسی متغیرهای موثر بر ارتکاب سرقت می‌پردازد. در مطالعه مذکور متغیرهای توضیحی مدل عبارت بودند از: نرخ بیکاری، مشارکت زنان در جامعه، درآمد حاصله از انجام عمل مجرمانه، نرخ اشتغال (مردان)، و نرخ دستگیری گزارش شده توسط پلیس. نتایج تخمین نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی در نرخ اشتغال و نرخ دستگیری، نرخ ارتکاب سرقت را به ترتیب ۱/۸ و ۰/۹۳ درصد کاهش می‌دهد، همچنین مطابق نتایج تخمین، کاهش نرخ ارتکاب سرقت نسبت به متغیرهای مشارکت زنان در اجتماع، نرخ بیکاری (مردان) و عواید حاصل از عمل مجرمانه، به ترتیب ۰/۷۸ درصد، ۰/۲۸ درصد، و ۰/۲۶ درصدند.

ریلی و همکارش^۲ (۱۹۹۶) در مطالعه‌ای از کشورهای انگلستان و ولز برای دوره زمانی ۹۱-۱۹۸۰ به برآورد تابع جرم (سرقت) پرداخته‌اند. آنها با استفاده از روش پانل دیتا و با بکارگیری سطوح و تفاضل مرتبه اول متغیرها، مدل اقتصادی جرم را تصریح و به تخمین آن می‌پردازند. عوامل اصلی در مدل جرم تصریح شده توسط ریلی و همکارش عبارت بودند از: نرخ بیکاری، متوسط طول دوره محکومیت و نابرابری دستمزدی.

نتایج برآورد مدل اول نشان می‌دهد که کاهش بیکاری- سرقت، معادل ۰/۱ درصد بوده است، در حالی که افزایش یک سال در متوسط طول دوره محکومیت، نرخ ارتکاب سرقت را ۰/۱۷ درصد کاهش می‌دهد. همچنین نتایج برآورد مدل دوم (*OLS* روی لگاریتم تفاضل اول متغیرها) نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی در نرخ بیکاری، ۰/۲۳ درصد ارتکاب سرقت را افزایش می‌دهد و با افزایش یک سال در متوسط

¹ Chapman

² Rilly & et al

طول دوره محکومیت، نرخ سرقت در حدود ۰/۲۱ درصد کاهش می‌یابد. نابرابری دستمزد نیز در هر دو مدل برآورد شده، بی معنی گزارش شده است.

ویت و همکارش در سال ۱۹۹۸ در مطالعه‌ای از یازده منطقه انگلستان برای دوره زمانی ۹۳-۱۹۷۹ و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی به تخمین کشش‌های عوامل اثرگذار بر جرم (سرقت) می‌پردازند. آنها در مطالعه خود عوامل متعدد اقتصادی-اجتماعی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی در متغیرهای توضیحی نابرابری دستمزد، نرخ بیکاری، شاخص تراکم جمعیت، تعداد سرانه پلیس، و تعداد جمعیت گروه سنی ۱۴-۱۰ و ۲۴-۲۰ سال، نرخ جرم را به ترتیب ۰/۶۹ درصد، ۰/۲۴ درصد، ۰/۴۸ درصد، ۰/۳۸ درصد، و ۰/۱۵ درصد افزایش می‌دهد. درحالی که افزایش یک درصدی در تعداد جمعیت گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله، نرخ ارتکاب جرم را در حدود ۰/۰۱ درصد کاهش می‌دهد.

سانچز^۱ (۲۰۰۲) در مطالعه خود به بررسی عوامل اقتصادی جرم در کشور کلمبیا می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد که نابرابری‌های اقتصادی همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی (بالقوه) در ارتکاب جرم به خصوص جرایم علیه اموال محسوب می‌شود.

ماشیرو توشیما^۲ (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «ساختار اقتصادی و جرم: مطالعه موردی ژاپن» به بررسی رابطه میان شاخص‌های اقتصادی و جرم در ۴۷ منطقه ژاپن می‌پردازد. در این مطالعه بیشترین تاکید بر روی تاثیر فقر، نابرابری درآمدی و بیکاری بر روی نرخ‌های جرم در سه حالت نرخ قتل (عمد)، سرقت مسلحانه و سرقت عادی بوده و برای این منظور نیز تحلیل‌های اقتصادسنجی در ۴۷ منطقه ژاپن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین نرخ‌های بیکاری، قتل و سرقت مسلحانه وجود دارد، این در حالی است که نابرابری درآمدی رابطه مثبت با نرخ سرقت عادی دارد و با قتل و سرقت مسلحانه رابطه معنی‌داری ندارد. سطح فقر نیز به طور مثبت و معنی‌دار با قتل همبستگی دارد، اما

¹ Sanchez

² Mashirow toshima

وقتی تاثیرات نرخ بیکاری، درصد تعداد مردان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال و سطح صنعتی شدن حذف شوند، اثر فقر نیز از بین خواهد رفت.

اوانس^۱ با استفاده از داده‌های سالانه سری زمانی برای ژاپن در دوره زمانی ۱۹۷۰-۱۹۵۵ به نتایج زیر می‌رسد. اولاً، شاخص نابرابری درآمدی (که از طریق ضریب جینی برای خانوارهای شاغل محاسبه شده بود) رابطه منفی و معنی‌دار با نرخ جرم دارد (علامت غیرانتظاری). ثانیاً نابرابری درآمدی با نرخ دستگیری نوجوانان و کودکان رابطه معنی‌دار و مثبت دارد. و بالاخره، بین سطح دستمزد واقعی (سطح متوسط دستمزدها در صنعت تقسیم بر شاخص قیمت مصرف کننده) و نرخ جرم یا دستگیری در میان بزرگسالان رابطه معنی‌دار مشاهده نمی‌شود.

وی در پایان به این نتیجه می‌رسد که در ژاپن سطوح درآمدی و جرم (در کل) ارتباط معنی‌دار با یکدیگر ندارند.

در رابطه با درآمد و توزیع آن بین افراد فاجنزیلبر و همکارانش^۲ (۲۰۰۲) با استفاده از ضریب جینی به عنوان شاخصی از نابرابری درآمد به بررسی اثر نابرابری درآمد بر نرخ‌های قتل و سرقت می‌پردازند. آن‌ها با در نظر گرفتن ۳۹ کشور در دوره زمانی ۱۹۶۵-۹۵ برای قتل و ۳۷ کشور در سال‌های ۱۹۷۰-۹۴ برای سرقت به این نتیجه می‌رسند که نرخ جرایم و نابرابری درآمد به طور مثبت و معنی‌داری باهم در ارتباط‌اند.

سرو و ملونی^۳ (۲۰۰۰) نیز ۲۲ استان کشور آرژانتین را بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ با هدف بررسی عوامل بررسی عوامل احتمالی تعیین کننده جرم مورد بررسی قرار داد. در نهایت آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بیکاری و نابرابری درآمد ارتباط مثبت و معنی‌داری با نرخ جرایم دارد. همچنین آن‌ها برخلاف تئوری، نشان دادند که افزایش درآمد با افزایش نرخ جرم و جنایت ارتباط مستقیم و معناداری دارد.

¹ Avanse

² Fajnzylber & et al

³ Cero & meloni

در مطالعه دیگری ساریدکیس^۱ (۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های مقطعی در آمریکا پس از تخمین رگرسیون مربوطه نتیجه می‌گیرد که تنها در کوتاه مدت رابطه مثبت و معناداری میان نابرابری درآمد و جرم وجود دارد.

دانگسو و ژانگمین^۲ (۲۰۱۲) با استفاده از تحلیل داده‌های پانل در ۱۲ منطقه انگلیس در بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ مدلی را پایه‌گذاری کردند و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که نابرابری درآمد و بیکاری مهم‌ترین عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر جرم در این کشور می‌باشد. همچنین آن‌ها اذعان می‌کنند که نتایج تجربی به دست آمده به شدت این فرضیه را که جرم یک پدیده اقتصادی است، تایید می‌کند.

ساریداکس و اسپگلر^۳ در سال ۲۰۰۹ در مقاله‌ای تحت عنوان جرم، بازداشت و بیکاری در یونان به مطالعه رابطه‌ی بین بیکاری و جرم در چند منطقه از یونان، با استفاده از روش اقتصادسنجی GMM بر پایه مدل-های پویای پانل دیتا در دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۱ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد بیکاری، جرم‌های مربوط به اموال را افزایش می‌دهد، همچنین جرائم سنگین نیز رابطه‌شان با بیکاری معنادار است.

فلاحی و رودریگز در سال ۲۰۱۴ در مطالعه‌ای با استفاده از مدل مارکوف- سوئیچینگ^۴ به بررسی رابطه چهار متغیر از جرم و نرخ بیکاری مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از تجاوز به حریم، سرقت با توسل به زور (غارتگری)، سرقت وسایل نقلیه و سرقت بدون توسل به زور. نتایج پژوهش ایشان نشان می‌دهد هیچ رابطه بین نرخ بیکاری با تجاوز به حریم و سرقت وسایل نقلیه وجود ندارد، در حالی که برای سرقت با توسل به زور و غارتگری مبهم و بی نتیجه است. همچنین نتایج گویای آن است که تاثیر نرخ بیکاری بر روی سرقت بدون توسل به زور و سرقت وسایل نقلیه به متغیرهای وضعیت وابسته است. برای سرقت بدون توسل به زور این اثر مثبت و یا خنثی می‌باشد و برای سرقت از وسایل نقلیه بین مثبت و منفی نوسان دارد.

¹ Saridakis

² Dangesoo & Zhangmin

³ Saridakis & Spegler

⁴ Markov switching

همچنین اوانس در بررسی‌های خود از روند جرم در کشورهای انگلستان، ولز و آمریکا در طی دوره‌های پایانی قرن نوزدهم و شروع قرن بیستم به این نتیجه می‌رسد که در کشورهای سرمایه‌داری با وجود توسعه روزافزون و ایجاد تنوع شغلی، نرخ‌های جرم در سطح پایینی قرار داشته و از روند ثابتی برخوردار بوده‌اند. وی ادعان دارد که در سطح پایین و رو به کاهش نرخ جرم در ژاپن قابل توجیه است و در کل حالت استثنایی نیست.

دانیل لدرمان و همکارش^۱ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «دلایل و عوامل موثر بر جرایم (علیه اشخاص) کدامند؟» با استفاده از داده‌های پانل برای نرخ‌های بین‌المللی قتل و سرقت مسلحانه در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۴ به بررسی عوامل موثر بر جرم در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می‌پردازند.

باردت، لاگوس و رایت^۲ در یک تحلیل نظری اثر نابرابری به همراه بیکاری را بر جرم بررسی کرده اند آن‌ها نتیجه می‌گیرند: در حالتی که هر دو گروه کارگران شاغل و بیکار با توجه به سطح دستمزدهایشان تصمیم به شرکت در جرم می‌گیرند، اثر نابرابری دستمزدها بر میزان ارتکاب جرم توسط افراد قابل استنتاج است به نحوی که در بین کارگران شاغل، تنها افرادی که دستمزدی کمتر از دستمزد مورد انتظار ناشی از جرم دارند، مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند (باردت، لاگوس و رایت، ۱۹۹۹).

در مطالعات انجام یافته بیلی (۱۹۹۱) و لادبروک (۱۹۸۸)^۳ این نکته مشاهده می‌شود که سطح پایین نرخ جرم در ژاپن تا حدودی با توزیع یکنواخت درآمدی در آن کشور قابل تبیین است. بیلی (۱۹۹۱) بیان می‌کند که جامعه ژاپن فاقد تنوع فرهنگی و نژادی بوده و این باعث شده است تا با ایجاد نسل‌های آتی، نابرابری‌های درآمدی افزایش نیابد. به همین دلیل نرخ جرم در این کشور در سطح پایینی قرار داشته است (لادبروک، ۱۹۹۸ و بیلی، ۱۹۹۱).

^۱ Daniele Iedermam et al

^۲ Bardett, logos, wright

^۳ Billi & Ludbrock

در یک تحلیل مقطعی از کشور کانادا، هارت ناگل و لی^۱ (۱۹۹۵) به این نتیجه رسیدند که نابرابری اقتصادی رابطه مثبت با جرایم علیه اشخاص داشته، لیکن با جرایم علیه اموال رابطه منفی نشان می دهد. آنها همچنین عنوان می کنند که نابرابری درآمدی در کشور کانادا به دلیل رفاه بیشتر شهروندان و اجرای برنامه هایی از قبیل توزیع مجدد درآمد، نسبت به کشورهای دیگر اثرات کمی بر روی جرایم داشته است (هارت ناگل و لی، ۱۹۹۵).

در یک مطالعه در پاکستان تاثیر عوامل اقتصادی _ اجتماعی بر وقوع جرم مورد بررسی قرار گرفته است که عواملی مثل آموزش، فقر، بیکاری و رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده اند که نشان داده اند که یک رابطه مثبت بین نرخ جرم و جنایت و بیکاری وجود دارد و یک رابطه منفی بین نرخ جرم و سطح آموزش وجود دارد و همچنین یک رابطه مثبت بین فقر و میزان وقوع جرم وجود دارد (نبی الله خان، ۲۰۱۵).

۲-۷-۲ مطالعات داخلی

در مطالعه ای در ایران صادقی عوامل اثرگذار بر جرم را مورد بررسی قرار داده است که نتایج نشان می دهد متغیرهای نرخ بیکاری، نابرابری درآمدی و صنعتی شدن از جمله متغیرهای مهم تاثیرگذار بر سرقت در کشور بوده است. همچنین نتایج بررسی علل اقتصادی ارتکاب قتل در ایران بر این دلالت دارد که متغیرهای نرخ بیکاری، فقر نسبی و نابرابری درآمدی از جمله عوامل تعیین کننده ارتکاب قتل در ایران بوده و با آن رابطه مستقیم دارد و همچنین مطابق با تحقیق، توسعه صنعتی ف توزیع عادلانه درآمد، کاهش نرخ بیکاری و فقر نسبی توصیه های سیاستی مناسب برای کاهش جرم در ایران می باشند (دکتر حسین صادقی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۴).

مداح در مقاله ای رابطه میان نابرابری درآمدی و سایر عوامل مانند فقر، جمعیت جوان تراکم جمعیت با جرائم قتل عمد، خشونت و سرقت وسایل نقلیه با استفاده از الگوی داده های تلفیقی (ترکب داده های مقطعی _ سری زمانی) در سطح استان های کشور مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج نشان داده اند که

¹ Hartnagel & lee

رابطه مستقیم میان نابرابری درآمدی و جرائم قتل عمد و سرقت وسایل نقلیه وجود دارد که این نشان می دهد که نابرابری درآمدی منجر به جرم بیشتر در استانهای کشور شده است (مداح، ۱۳۸۹، ص ۴).

در مطالعه دیگر لطفی و فیض پور در زمینه رابطه رشد صنعتی و جرم را بررسی کرده اند که نتایج نشان دهنده رابطه مثبت و معنی دار رشد صنعتی بر جرم است. بر این اساس اگرچه رشد صنعتی توانسته است مزایایی را برای مناطقی از کشور به ارمغان بیاورد، اما رابطه مثبت میان صنعتی شدن و جرم نیز لزوم توجه به این موضوع را برای کاهش زیان های احتمالی صنعتی شدن دو چندان می کند (لطفی و فیض پور، ۱۳۹۳، ص ۶).

بهشتی و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان بررسی رابطه تورم و بیکاری با سرقت در ایران طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۶۵ با استفاده از مدل های غیر خطی انتقال ملایم پرداخته اند. یافته ها نشان داد که دورژیم متفاوت در نحوه ارتباط سرقت و شاخص فلاکت وجود دارد که رابطه بین شاخص فلاکت و نرخ رشد سرقت در هر دو رژیم مثبت است ولی تاثیر شاخص فلاکت بر سرقت در رژیم اول بیشتر از رژیم دوم می باشد. دوره هایی که در آنها نرخ رشد سرقت زیاد بوده است در رژیم دوم قرار می گیرند. نتایج نشان می دهد هر چه میزان نرخ رشد سرقت بیشتر باشد تاثیر شاخص فلاکت بر روی نرخ رشد سرقت کمتر می شود.

کلانتری و همکاران (۱۳۸۸) با استفاده از فن های درون یابی و سامانه اطلاعات جغرافیایی به تحلیل فضایی داده های بزهکاری در بخش های مرکزی تهران پرداختند. در تحلیل های انجام شده در زمینه عوامل موثر بر جرم فارغ از هرگونه مدل بندی آماری، اکثرا از تحلیل همبستگی یا روش تحلیلی - تطبیقی استفاده شده است.

کریمی و همکاران (۱۳۹۲) اثر شاخص های اقتصادی بر جرم قتل را در کشور تحلیل و با استفاده از مدل های پانلی و پانلی فضایی، جرم قتل را مدل بندی کردند. آنان به این نتیجه رسیدند که نرخ بیکاری و صنعتی شدن روی قتل در کشور اثرگذار بوده به نحوی که افزایش نرخ بیکاری باعث افزایش قتل و افزایش نرخ

صنعتی شدن باعث کاهش قتل در کشور گردیده است. همچنین نابرابری درآمدی تاثیری بر افزایش یا کاهش نرخ قتل در کشور نداشته است.

در مقاله‌ای تاثیر عوامل اقتصادی_اجتماعی بر وقوع جرائم خشن با تاکید بر قتل عمد مورد بررسی قرار گرفته است که در این راستا عوامل موثر را شامل جمعیت، تولید ناخالص داخلی، شاخص بهای مصرف کننده و نرخ مشارکت اقتصادی برای جمعیت بیشتر از ده سال در نظر گرفته و با تحلیل رگرسیونی و انجام آزمون های اقتصاد سنجی مربوطه، نتیجه گرفته که در استان‌هایی که جمعیت آنها بیشتر، هزینه زندگی بالاتر و نرخ مشارکت اقتصادی پایین تر است، تعداد موارد قتل عمد بیشتر است. از طرف دیگر تولید ناخالص داخلی بدون لحاظ استان تهران بر قتل های عمد تاثیر منفی و معنی‌دار دارد. بنابراین بهتر با فراهم کردن زمینه های اشتغال، کاهش رشد جمعیت با سیاست های تنظیم خانواده و برنامه‌های مشاوره‌ای و نیز افزایش تولید و کاهش هزینه‌های زندگی و در نهایت افزایش تولید ناخالص منطقه‌ای و درآمد سرانه در استان‌ها از تعداد قتل های عمد کاست (عاقله کهنه شهری و امامقلی پور، ۱۳۸۶).

صادقی و همکاران نیز جهت تبیین علل جرم، اثر عوامل اقتصادی موثر بر جرم را با استفاده از الگوی داده-های تلفیقی برای استان‌های کشور طی سال‌های (۸۰-۱۳۷۶) مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته‌اند: نرخ بیکاری و نابرابری درآمدی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر نرخ جرم سرقت عادی و نرخ بیکاری و نابرابری درآمدی اثر مثبت و معنی‌داری بر میزان جرم قتل در نمونه تحت بررسی داشته‌اند.

در مطالعه دیگری حسینی‌نژاد از الگوی داده‌های تلفیقی برای بررسی علل اقتصادی موثر بر سرقت اتومبیل و اماکن در دوره (۸۰-۱۳۷۷) استفاده نموده است. وی نتیجه می‌گیرد: نابرابری درآمدی به همراه درصد جمعیت جوان از جمله عوامل موثر بر نرخ سرقت اتومبیل می‌باشند.

مرزبان و صمدی (۱۳۸۸) با تحلیل دقیق مفاهیم و ویژگی‌های جرائم اقتصادی و طبقه‌بندی آن‌ها با استفاده از تحقیق میدانی، وضعیت جرائم اقتصادی در استان‌های جنوبی کشور را تحلیل کرده و راهکارهایی برای پیشگیری از جرائم اقتصادی ارائه داده‌اند.

صمدی و آماره (۱۳۸۹) با هدف بررسی روابط کوتاه‌مدت و درازمدت و علیت بین جرائم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد، فقر و رشد اقتصادی به این نتیجه می‌سند که هیچ رابطه درازمدتی بین متغیرهای فقر، توسعه، نابرابری توزیع درآمد و جرائم اقتصادی وجود ندارد؛ اما رابطه علیت دوطرفه‌ای بین متغیرهای فقر و جرائم اقتصادی وجود داشته است و هیچ رابطه علی بین توزیع درآمد و جرائم اقتصادی وجود ندارد.

گرشاسبی فخر (۱۳۹۰) نیز با استفاده از یک رگرسیون و با تخمین آن به روش حداقل مربعات معمولی، به این نتیجه رسیده است که بین میزان بیکاری و سرقت در ایران رابطه مثبتی وجود دارد.

فصل سوم
روش شناسی

در اغلب سری‌های زمانی اقتصاد کلان مشاهده می‌شود که این سری‌ها تمایل دارند در یک جهت و سو حرکت کنند و علت آن را می‌توان وجود روندی دانست که در تمامی آنها مشترک است. در واقع در برآورد ضرایب الگو دیده می‌شود که حتی در مواردی که یک رابطه اقتصادی معنی‌دار بین آنها وجود ندارد، همبستگی شدیدی مشاهده می‌شود که در اصطلاح ما را به یک رگرسیون کاذب می‌رساند. برای جلوگیری از این امر در روش سنتی یک متغیر روند زمانی در بین متغیرهای مستقل الگو لحاظ می‌شود تا به وسیله آن ارتباط کاذب بین متغیرهای سری زمانی را حذف نمود ولی در حالتی که متغیرهای سری زمانی روند-پایا نیستند اضافه کردن روند زمانی T در مدل موجب پایایی نمی‌گردد و در نتیجه آزمون آماری نظیر F و T دیگر اعتبار لازم را ندارد و می‌توانند سبب استنباط‌های غلط در مورد ارتباط بین متغیرها گردند. برای جلوگیری از این شرایط می‌توان از متغیرهای تفاضل‌گیری شده استفاده نمود ولی در این شرایط نیز برای حفظ اطلاعات اطلاعات بلند مدت در رابطه با سطح متغیرها کار خاصی نمی‌توان کرد.

در این شرایط است که مفهوم هم‌جمعی مطرح می‌شود که می‌توان با بکار بستن آن دیگر نگران رگرسیون کاذب نبود. مفهوم هم‌جمعی بیان می‌دارد که اگر متغیرهای سری زمانی همگی هم‌جمع از مرتبه d باشند، در صورتی که بتوان یک رگرسیون خطی بین آنها تعریف نمود که جمله اخلاص آن مانا از مرتبه d باشد که در آن $b < d$ است، در آن حالت گفته می‌شود که سری‌های زمانی هم‌جمع از مرتبه d و b یعنی $CI(b,d)$ هستند. به عنوان مثال اگر تمامی متغیرهای سری زمانی ناپایا از مرتبه یک باشند ولی یک رابطه خطی بین آنها وجود داشته باشد که جمله اخلاص آن پایا از مرتبه صفر باشد، در آن صورت می‌توان از روش‌های معمول اقتصادسنجی در برآورد پارامترها استفاده کرد و از استنباط‌های آماری مبتنی بر آماره F و t نیز سود برد.

۳-۲ مدل سری‌های زمانی^۱

اقتصاددانان مشاهده کرده‌اند و معتقدند که مدل‌های معادلات همزمان کلان که در سال‌های ۱۹۶۰ ساخته شده‌اند، قدرت پیش‌بینی ضعیف‌تری از مدل‌های ساده یک متغیره دارند، مدلهایی که صرفاً دارای چند پارامتر و بصورت یک متغیر سری زمانی است.

در روش‌های اقتصادسنجی با اسناد کردن متغیرها با یکدیگر، آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. اسناد کردن متغیرها منبعت از نظریه‌های اقتصادی است. پس از تخمین پارامتر مدلها، متغیرهای وابسته بر اساس پیش‌بینی و حرکت متغیرهای مستقل، قابل پیش‌بینی و Forecast می‌باشند. اما هدف پیش‌بینی را می‌توانیم با یک مدل ساده که رفتار متغیر را بر اساس رفتار آن در گذشته شرح می‌دهد، برآورده نمائیم. به همین دلیل کارهای (Box-Jenkins, 1984)، برجستگی خاصی در پیش‌بینی روند متغیرها پیدا کرد. برای رسیدن به تجزیه و تحلیل ماهیت متغیرهای اقتصادی لازم است تعاریف و ابزارهای را در اینجا معرفی نمائیم.

۳-۳ فراگرد تصادفی^۲

مجموعه‌ای از متغیرهای تصادفی که در یک فضای احتمالی تعریف می‌شوند را فراگرد تصادفی گویند.

$$\{X_t : t \in T\}; T = N \quad (1-3)$$

فضای احتمال (Ω, A, P) بطوریکه P مقدار احتمال، A واریانس و Ω فضای نمونه است.

¹ Time series models

² Stochastic Process

۳-۳-۱ فراگرد تصادفی مانای ضعیف^۱

به یک جریان تصادفی مانای ضعیف گفته می‌شود اگر میانگین آن وجود دارد و به t بستگی ندارد.

$$i) E(X_t) = \mu \quad (۲-۳)$$

کوواریانس آن وجود دارد و تابعی از $t-s$ است.

$$ii) \text{var}(X_t - \mu)(X_s - \mu) = \text{Cov}(X_t, X_s) \quad (۳-۳)$$

در نتیجه واریانس X_t ثابت است و به t بستگی ندارد.

$$iii) \text{var}(X_t) = E[X_t - \mu][X_t - \mu] = \sigma^2 \quad (۴-۳)$$

از سه شرط فوق نمی‌توان نتیجه گرفت که گشتاورهای سوم و چهارم هم ثابت هستند. لذا اگر X_t دارای میانگین μ باشد و X_t ها با یکدیگر رابطه نداشته باشند، و واریانس X_t ثابت باشد، در آن صورت X_t مانای ضعیف است. به ویژه چنانچه اگر X_t , با واریانس محدود باشد ، X_t مانای ضعیف است.

۳-۳-۲ فراگرد تصادفی مانای قوی^۲

به یک جریان تصادفی $\{x_t : t \in Z\}$ قویاً مانا گویند، اگر تابع چگالی مشترک (cdf) $X_{t_1}, X_{t_2}, X_{t_k}$ برای همه t_1, t_2, \dots, t_k هم مانند تابع چگالی مشترک $x_{t_1+h}, x_{t_2+h}, x_{t_k+h}$ برای مقادیر مختلف h ، باشد. هر جریان مانای ضعیف، نمی‌تواند مانای قوی باشد، ولی اگر X_t مانای قوی باشد و دارای واریانس محدود، حتماً مانای ضعیف خواهد بود.

¹ Weakly Stationary Stochastic Process

² Strictly Stationary Stochastic Process

۳-۴ مدل خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)

بررسی داده‌ها با استفاده از روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL^۱) و با بهره‌گیری از نرم-افزار میکروفیت انجام شده است. روش‌های معمول که با نمونه‌های کوچک سر و کار دارند به دلیل در نظر نگرفتن واکنش‌های پویای کوتاه مدت موجود بین متغیرها و اینکه برآوردهای حاصل از آنها بدون تورش نبوده و در نتیجه انجام آزمون فرضیه با استفاده از آماره‌های آزمون معمول مثل t ، معتبر نخواهد بود. به همین دلیل استفاده از الگوهای پویایی‌های کوتاه‌مدت را در خود داشته باشند و منجر به برآورد ضرایب دقیق‌تری از الگو شوند، مورد توجه قرار می‌گیرند. بطور کلی الگوی پویا، الگویی است که در آن وقفه‌های متغیرها، همانند رابطه زیر وارد معادله شوند.

$$y_t = ax_t + bx_{t-1} + cy_{t-1} + u_t \quad ۳-۵$$

برای کاهش تورش مربوط به برآورد ضرایب الگو در نمونه‌های کوچک بهتر است تا حد امکان از الگویی استفاده کنیم که تعداد وقفه‌های زیادی برای متغیرها همانند رابطه زیر داشته باشد.

۳-۶

$$\varphi(LP)y_1 = \sum_{i=1}^k b_i (Lq_1)x_{it} + c'w_t + u_t$$

الگوی فوق یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده نام دارد که در آن داریم:

$$\varphi(LP) = 1 - \varphi_1 L - \varphi_2 L^2 - \dots - \varphi_p L^p \quad ۳-۷$$

$$b_1(Lq_1) = b_i + b_{i1}L + \dots + b_{iq}L^q \dots \quad .i = 1.2 \dots K \quad ۳-۸$$

¹. Auto Regressive Distributed Lag Method

که L عملگر وقفه، W برداری از متغیرهای ثابت مثل عرض از مبدا، متغیرهای مجازی، روند زمانی یا تغییرهای برونزای با وقفه ثابت است. نرم‌افزار مایکروفیت معادله را برای تمام حالات و برای کلیه ترتیبات ممکن مقادیر، یعنی به تعداد $(m + 1)^{k+1}$ بار برآورد می‌کند. M تعداد حداکثر وقفه است که توسط محقق تعیین می‌شود و k نیز تعداد متغیرهای توضیحی است.

تعداد وقفه‌های بهینه برای هر یک از متغیرهای توضیحی را می‌توان با کمک یکی از ضوابط آکائیک^۱ (AIC)، شوارتز-بیزین^۲ (SBC)، حنان-کوئین^۳ (HQC) و یا ضریب تعیین تعدیل شده^۴ تعیین کرد. معمولاً در نمونه‌های کمتر از ۱۰۰، از معیار شوارتز-بیزین استفاده می‌شود، تا درجه آزادی زیادی از بین نرود. این معیار در تعیین وقفه‌ها صرفه جویی می‌نماید و در نتیجه، تخمین از درجه آزادی بیشتری برخوردار خواهد بود. برای محاسبه ضرایب بلندمدت مدل، از همان مدل پویا استفاده می‌شود. ضرایب بلندمدت مربوط به متغیرهای X از این رابطه به دست می‌آیند:

$$\theta_i = \frac{\hat{b}_i(L, q_i)}{1 - \hat{\phi}(L, p)} = \frac{\hat{b}_{i0} + \hat{b}_{i1} + \dots + \hat{b}_{iq}}{1 - \hat{\phi}_1 - \hat{\phi}_2 - \dots - \hat{\phi}_p}, i=1, 2, \dots, k \quad 9-3$$

آزمون فرضیه وجود همجمعی (رابطه بلند مدت)

حال برای بررسی اینکه رابطه بلند مدت حاصل از این روش، کاذب نمی‌باشد دو راه وجود دارد در روش اول فرضیه زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

$$H_0: \sum_{i=1}^p \phi_i - 1 \geq 0$$

$$H_a: \sum_{i=1}^p \phi_i - 1 < 0$$

1. Akaike Criter
 2. Schwarz Criter
 3. Hannan-Quinn Criter
 4. R-Bar Squared

فرضیه صفر بیانگر عدم وجود همجمعی یا رابطه بلندمدت است. برای انجام آزمون مورد نظر که توسط بنرجی و همکاران ارائه شده است، باید عدد یک از مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته کسر و بر مجموع انحراف معیار ضرایب مذکور تقسیم شود که آماره آزمون از نوع آماره t حاصل می‌شود.

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{\theta}_{i-1}}{\sum_{i=1}^p \hat{\theta}_i} \quad ۱۰-۳$$

اگر قدرمطلق آماره t به دست آمده از قدرمطلق مقادیر بحرانی ارایه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر در سطح اطمینان ۹۵٪ بزرگ تر باشد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود همجمعی رد شده و وجود رابطه بلندمدت پذیرفته می‌شود. (عباسی نژاد ۱۳۹۲ ص ۳۰۷-۳۰۹) روش دوم که توسط پسران و شین ارایه شده است، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحت بررسی به وسیله محاسبه آماره F برای آزمون معنی‌داری سطوح با وقفه متغیرها در فرم تصحیح خطا مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که مقدار F محاسباتی بزرگتر از حد بالایی F باشد، فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت، رد می‌شود. برعکس در صورتیکه مقدار F محاسباتی کمتر از حد پایینی F باشد، نمی‌توان فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت را رد کرد. در شرایطی که مقدار F محاسباتی در محدوده مابین این دو مقدار (حد بالایی و حد پایینی F) قرار گیرد، وجود رابطه بلندمدت غیر قابل تعیین بوده و نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر نمود (اسماعیلی و پورکاشان).

۳-۵ الگوی تصحیح خطا (ECM)

با استفاده از رابطه تعادلی بلند مدت می‌توان به بررسی پویایی‌های کوتاه مدت که از آن به الگوهای تصحیح خطا تعبیر می‌شود پرداخت. الگوی تصحیح خطا (ECM)، نوسانات کوتاه مدت متغیرها را با مقادیر بلند مدت آن‌ها ارتباط می‌دهد. بعد از انجام تخمین مقدار (-1) ECM باید منفی بوده تا بیانگر تصحیح خطا باشد و بیانگر این باشد که اگر شوکی به مدل وارد شود آیا مدل به تعادل بلند مدت خود بر می‌گردد یا خیر و همچنین هر چه مقدار این ضریب به ۱ نزدیکتر باشد بیانگر سرعت بالای تعدیل و تصریح در خطا می‌باشد (نوفرستی، ۱۳۷۸).

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱ مقدمه

پس از آنکه روش تحقیق را بیان کردیم و مسیر تحقیق را مشخص نمودیم و اطلاعات مورد نیاز گردآوری، استخراج و طبقه‌بندی شد، مرحله بعدی از فرآیند تحقیق که تجزیه و تحلیل اطلاعات است، آغاز می‌شود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور بررسی و اعتبار فرضیات تحقیق از اهمیت خاصی برخوردار است. در این فصل ابتدا برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون دیکی فولر استفاده می‌کنیم و سپس تخمین مدل کوتاه مدت را انجام داده و آزمون لاگرانژ برای خودهمبستگی باقی‌مانده‌ها انجام داده و در نهایت تخمین بلند مدت مدل به روش خود توضیحی برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) انجام می‌شود و در نهایت آزمون تصحیح خطا برای مشخص نمودن اینکه چقدر طول می‌کشد تا متغیرهای توضیحی از کوتاه مدت به بلند مدت تعدیل شوند.

۴-۲ مدل تحقیق:

با تکیه بر مدل چو^۱ و استناد به مطالعات تجربی انجام شده در زمینه علل اقتصادی جرم توجه به مباحث نظری و با در نظر گرفتن مطالعات تجربی برای تحلیل اقتصادی وقوع جرم در ایران الگوی تجربی تحقیق به شکل زیر تعریف می‌شود:

$$Lncrime = \ln a_0 + \alpha_1 \ln I + \alpha_2 \ln U + \alpha_3 \ln G + \alpha_4 \ln PO + \alpha_5 \ln \ln + \alpha_6 \ln pop + \varepsilon \quad 4-1$$

در رابطه فوق متغیر وابسته عبارت است از نرخ وقوع جرم و شرح و توضیح متغیرهای مستقل در تابع جرم به صورت زیر است.

صنعتی شدن (I): لگاریتم صنعتی شدن برابر با تعداد کارگاه‌های ده نفر کارکن و بیشتر می‌باشد.

نرخ بیکاری (U): لگاریتم نرخ بیکاری، این شاخص از نسبت تعداد افراد بیکار (گزارش شده توسط مرکز آمار) به کل جمعیت فعال به دست می‌آید.

¹ choe

نابرابری درآمدی (G): لگاریتم شاخص نابرابری را برابر ضریب جینی حساب می‌کنیم.

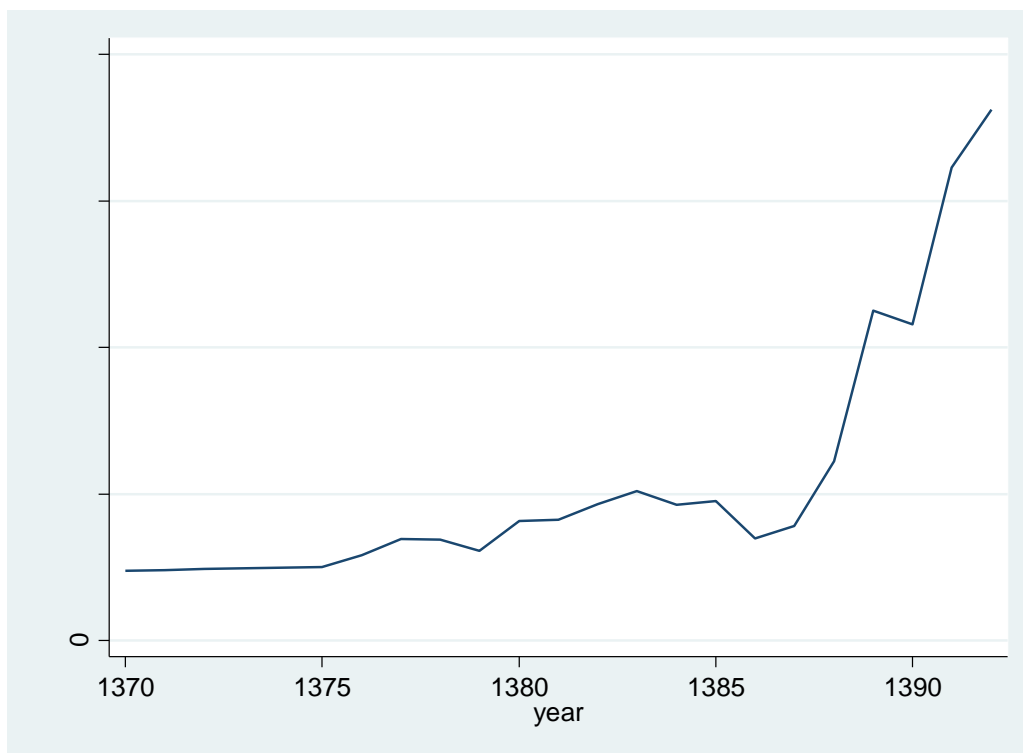
شاخص فقر نسبی (PO): لگاریتم شاخص فقر نسبی، این شاخص از نسبت متوسط هزینه های خوراکی و غیرخوراکی دو دهک آخر به دو دهک اول به دست می آید.

میزان جمعیت (POP): آمار جمعیت بر اساس برآوردهای مرکز آمار ایران بر حسب نفر می باشد.

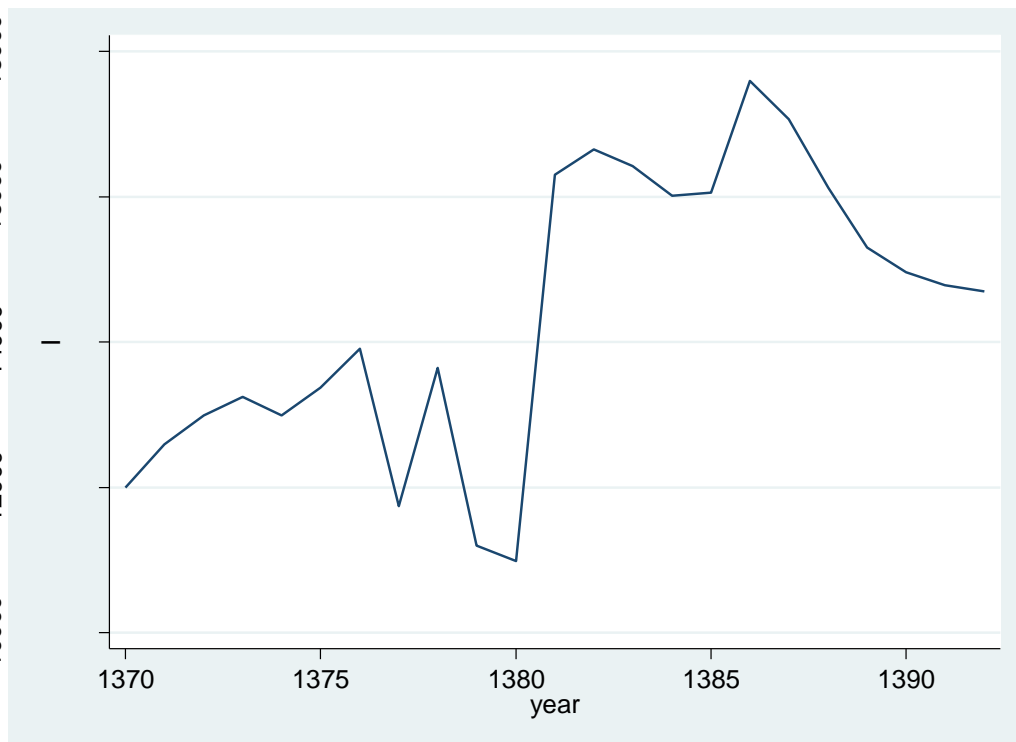
نرخ تورم (In): لگاریتم نرخ تورم نیز از داده های مرکز آمار ایران به دست می آید.

۳-۴ نمودارهای سری زمانی متغیرها

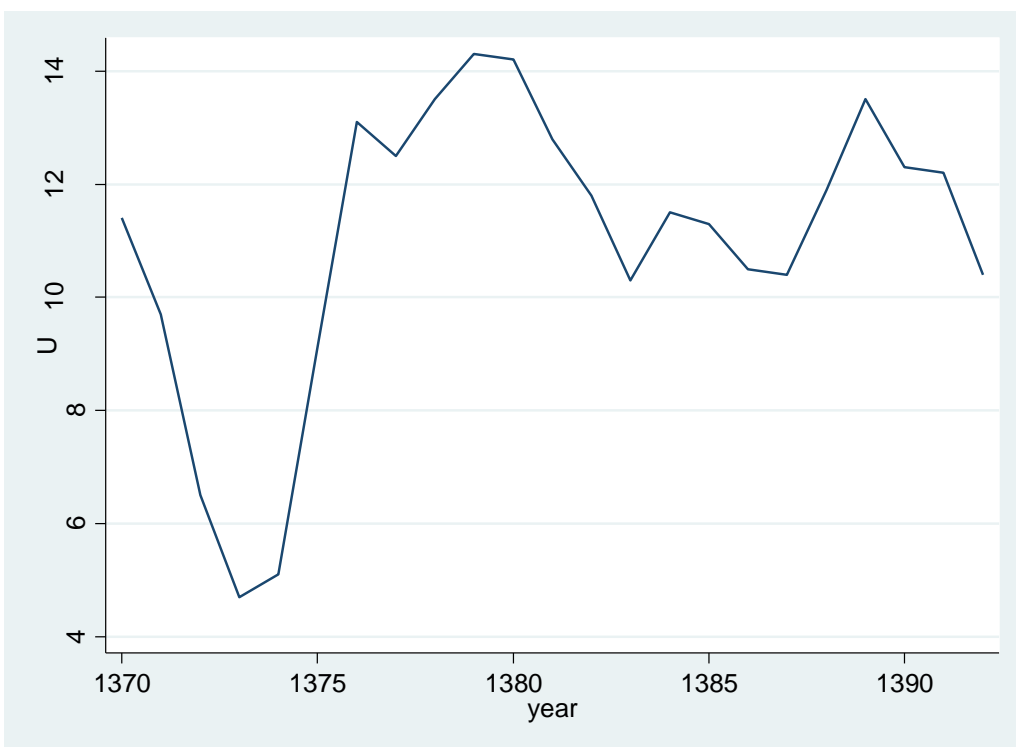
تغییر روند سری زمانی متغیرها را ابتدا در زیر به صورت نموداری نشان داده و این نمودارها نشان می‌دهند که متغیرهای این تحقیق در طی دوره زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۲ چه روندی داشته‌اند. در بخش بعدی این روند را با استفاده از آزمون‌های مانایی بررسی می‌کنیم.



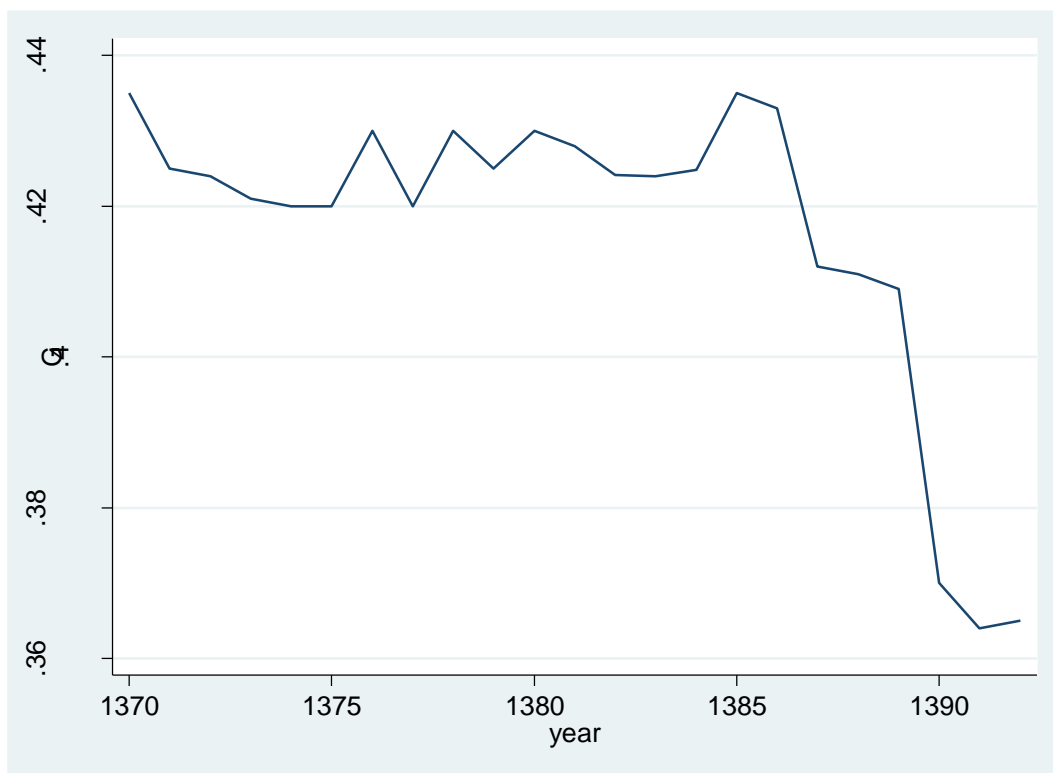
شکل ۴-۱: نمودار سری زمانی متغیر جرم (سرقت)



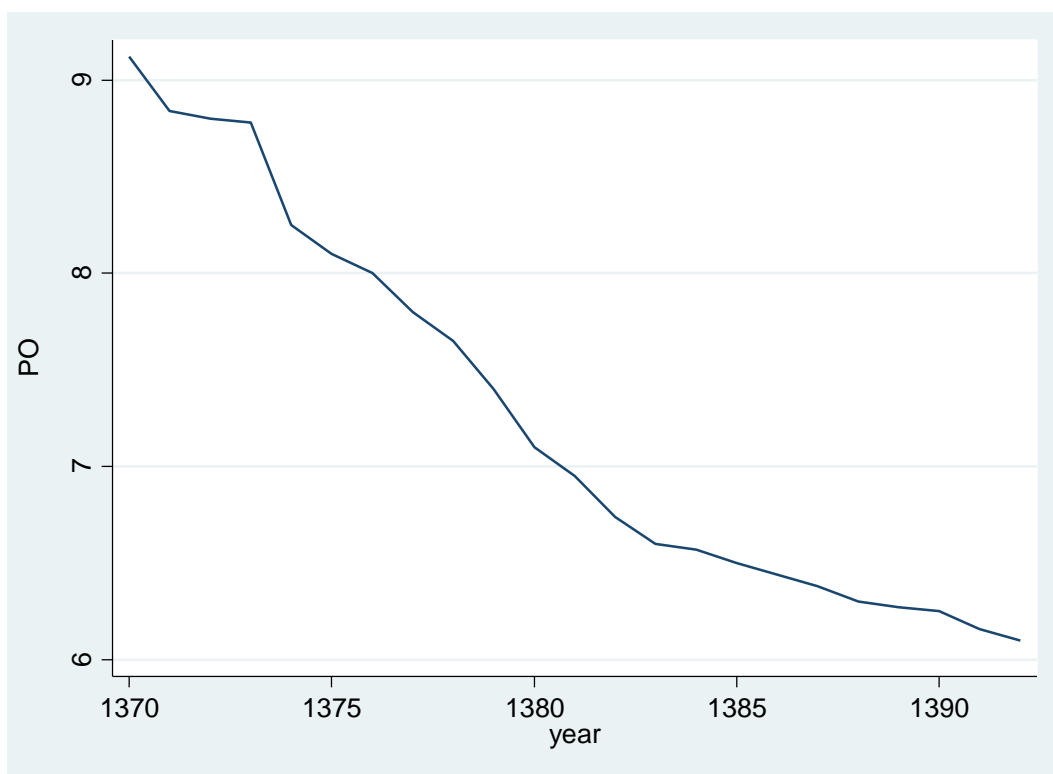
شکل ۲-۴: نمودار سری زمانی متغیر صنعتی شدن



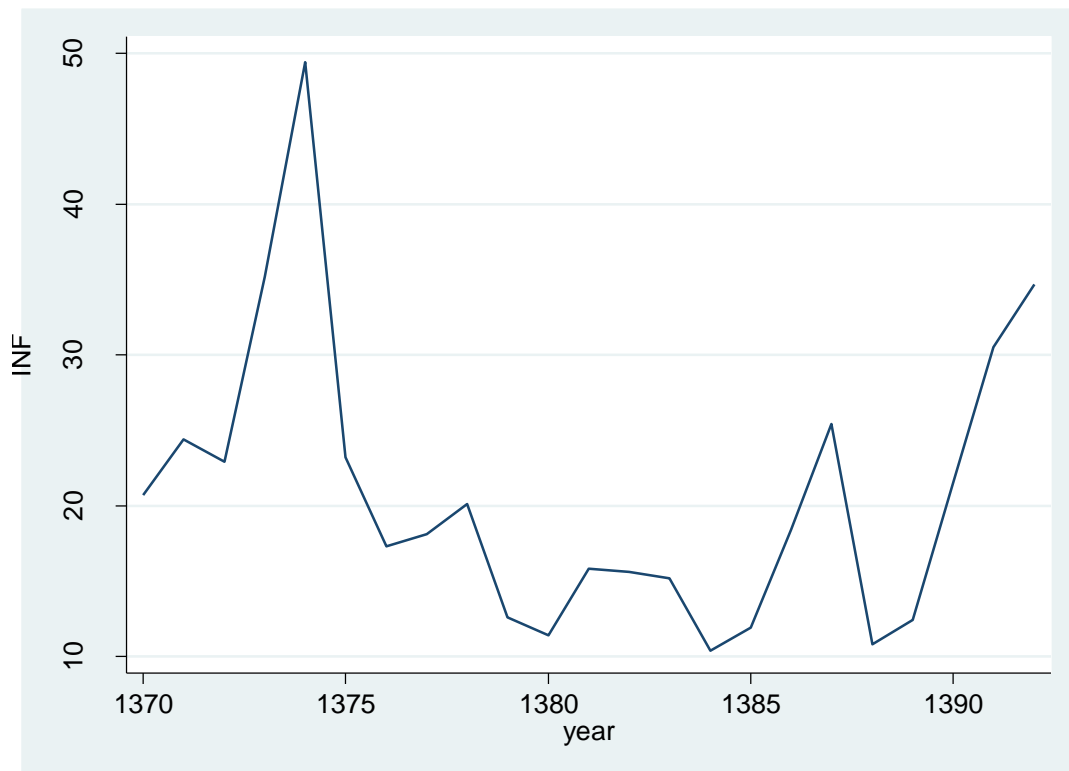
شکل ۳-۴: نمودار سری زمانی متغیر بیکاری



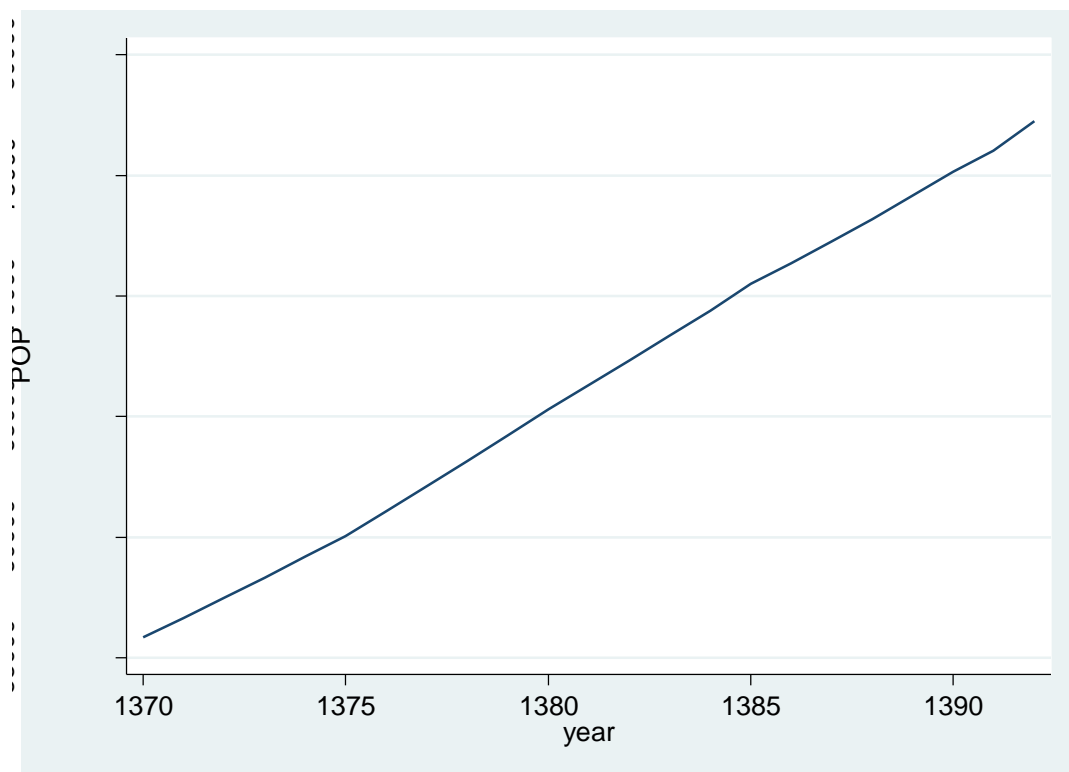
شکل ۴-۴: نمودار سری زمانی متغیر نابرابری درآمدی



شکل ۴-۵: نمودار سری زمانی متغیر فقر



شکل ۴-۶: نمودار سری زمانی متغیر تورم



شکل ۴-۷: نمودار سری زمانی متغیر جمعیت

۴-۴ آزمون مانایی دیکی فولر

برای بررسی مانایی هر یک از متغیرها از آزمون دیکی فولر استفاده می‌شود که نتایج آزمون مانایی در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۱: آزمون مانایی دیکی فولر

متغیرها	آماره محاسبه شده	مقدار بحرانی ۱٪	مقدار بحرانی ۵٪	مقدار بحرانی ۱۰٪	وضعیت
تراکم جمعیت	۱/۹۲۰	-۳/۷۵۰	-۳/۰۰۰	-۲/۶۳۰	نامانا
تورم	-۲/۱۱۲	-۳/۷۵۰	-۳/۰۰۰	-۲/۶۳۰	نامانا
فقر	-۲/۷۰۵	-۳/۷۵۰	-۳/۰۰۰	-۲/۶۳۰	نامانا
نابرابری درآمدی	۰/۰۲۶	-۳/۷۵۰	-۳/۰۰۰	-۲/۶۳۰	نامانا
بیکاری	-۱/۵۸۶	-۳/۷۵۰	-۳/۰۰۰	-۲/۶۳۰	نامانا
صنعتی شدن	-۲/۰۷۹	-۳/۷۵۰	-۳/۰۰۰	-۲/۶۳۰	نامانا
جرم (سرقت)	۲/۱۰۰	-۳/۷۵۰	-۳/۰۰۰	-۲/۶۳۰	نامانا

منبع: محاسبات تحقیق جاری

همانطور که از جدول بالا مشخص است همه متغیرها نامانا هستند یکی از راه‌ها برای رفع نامانایی تفاضل-گیری می‌باشد ولی در این شرایط نیز برای حفظ اطلاعات اطلاعات بلند مدت در رابطه با سطح متغیرها کار خاصی نمی‌توان کرد.

۴-۵ تخمین مدل کوتاهمدت

در این قسمت مدل کوتاهمدت ARDL تخمین زده و نتایج آن در زیر مشاهده می‌شود.

جدول ۲: تخمین کوتاهمدت مدل (۰,۰,۰,۱,۱,۱,۰)

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
I	۶,۹۳۳۷	۲,۰۰۱۴	۰,۰۴۳۱
U	۳,۲۵۴۸	۳,۱۴۵۷	۰,۰۰۰
G	-۲,۰۲۷۳	-۴,۱۲۵۶	۰,۰۰۰
G(-1)	۴,۶۴۰۴	۲,۵۶۸۰	۰,۰۴۰۲
PO	-۹,۹۳۳۲	-۰,۸۴۴۹	۰,۴۱۶۰
PO(-1)	۲,۵۳۹۷	۴,۲۳۶۰	۰,۰۰۰
INF	۳,۳۲۲۳	۳,۴۵۸۱	۰,۰۰۰
INF(-1)	۲,۸۰۱۷	۲,۶۵۲۰	۰,۰۳۹۲۰
POP	۲۸,۱۳۸۳	۵,۲۱۵۰	۰,۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق جاری

نتایج حاصل از تخمین رابطه کوتاهمدت با توجه به ضرایب نشان می‌دهد صنعتی شدن اثر مثبت و معناداری بر جرم (سرقت) دارد. همچنین اثر بیکاری، نابرابری درآمدی، نابرابری درآمدی دوره پیش، فقر دوره پیش، تورم دوره قبل و جمعیت بر جرم مثبت بوده اما متغیر فقر دوره فعلی بر جرم دوره حاضر اثر منفی و معکوس دارد.

برای تعیین وجود ارتباط بلند مدت، آماره حاصل از آزمون t که برابر با ۴,۱۷۸۱ بدست آمده با آماره بحرانی محاسبه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر که مقدار آن برابر با (۳,۲۸-) می‌باشد مقایسه شده و وجود رابطه بلند مدت تایید شد.

۴-۶ آزمون لاگرانژ جهت خودهمبستگی باقیمانده‌ها

جهت بررسی خودهمبستگی باقیمانده‌ها آزمون لاگرانژ انجام گرفته است که نتایج آن در جدول شماره (۳) آورده شده است.

جدول ۱: آزمون لاگرانژ جهت بررسی خود همبستگی باقیمانده‌ها

احتمال	مقدار آماره	آزمون
۰,۱۲۸۰	۲,۳۱۶۵	کای دو (۲)
۰,۲۷۹۰	۱,۳۱۰۰	F

منبع: محاسبات تحقیق جاری

با توجه به آماره‌های کای دو و F و ارزش احتمال آنها مشاهده می‌شود که فرض صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها تایید شده و باقیمانده‌های رگرسیون همبسته نیستند.

۴-۷ تخمین مدل بلندمدت

در این قسمت مدل بلندمدت ARDL تخمین زده و نتایج آن در زیر مشاهده می‌شود.

جدول ۲ تخمین بلند مدت مدل (۰,۰,۰,۱,۱,۱,۰)

احتمال	آماره t	ضریب	متغیر
۰,۰۴۰۱	۲,۰۹۸۵	۴,۳۶۵۰	I
۰,۰۰۰	۳,۰۵۶۳	۲,۰۱۲۴	U
۰,۰۰۰	۴,۷۵۲۰	۳,۱۲۵۸	G
۰,۰۰۰۲	۳,۹۵۷۲	۲,۳۲۱۵	PO
۰,۰۰۰	۴,۲۶۵۱	۲,۱۴۸۳	INF
۰,۰۰۰	۵,۰۱۴۸	۲۱,۳۶۶۰	POP

منبع: محاسبات تحقیق جاری

با توجه به جدول بالا ملاحظه می‌شود که در بلندمدت تمامی متغیرهای اقتصادی موثر بر جرم اثر مثبت و معناداری بر جرم (سرقت) دارند.

۴-۸ تخمین معادله تصحیح خطا (Ecm)

حال برای اینکه بدانیم مدل با چه ضریب تعدیلی با مدل بلند مدت خود هماهنگ می‌شود معادله تصحیح خطا تخمین زده می‌شود که نتایج آن در زیر ملاحظه می‌شود.

جدول ۳ تخمین معادله تصحیح خطا (Ecm)

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
I	۴,۰۱۲۴	۲,۰۴۵۸	۰,۰۴۸۰
U	۱,۰۲۵۴	۲,۰۷۶۳	۰,۰۴۶۸
G	۳,۱۵۶۰	۲,۶۵۱۰	۰,۰۰۰
PO	۴,۰۱۴۲	۵,۰۶۹۸	۰,۰۰۰۰
INF	۰,۹۵۰۱	۲,۷۸۴۰	۰,۰۰۰
POP	۱۷,۰۳۶۵	۲,۹۶۸۵	۰,۰۰۰
Ecm	-۰,۲۱۳۰	۲,۰۱۷۶	۰,۰۴۹۲

منبع: محاسبات تحقیق جاری

همانطور که ملاحظه می‌شود میزان ضریب تصحیح خطا در جدول بالا $-۰,۲۱۳۰$ می‌باشد که منفی بودن آن بیانگر تصحیح خطا می‌باشد و بیانگر این است که اگر شوکی به مدل وارد شود مدل به تعادل بلند مدت خود بر می‌گردد و هر چه مقدار این ضریب به ۱ نزدیکتر باشد بیانگر سرعت بالای تعدیل و تصحیح در خطا می‌باشد.

۴-۹ تحلیل متغیرهای تحقیق

۴-۹-۱ صنعتی شدن:

با توجه به جداول بالا متغیر صنعتی شدن هم در مدل کوتاه مدت و هم در مدل بلندمدت دارای اثر مثبت بر جرم (سرقت) می باشد که در ادامه به بررسی دلایل اثر مثبت صنعتی شدن بر وقوع جرم پرداخته شده است:

اگرچه در مزایای ایجادشده در جریان رشد و توسعه صنعتی و به ویژه تاثیر آن بر توسعه اقتصادی تردیدی وجود ندارد، اما این فرایند می تواند زمینه بروز مشکلاتی را نیز فراهم کند. افزایش مهاجرت به شهرها از این موارد است که می تواند احتمال بروز نابسامانی های اجتماعی را افزایش دهد. پدیده مهاجرت از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و در پی آن، تمرکز جمعیت در مناطق شهری به خصوص شهرهای بزرگ و صنعتی از این جمله بوده و این خود می تواند احتمال بروز نابسامانی های اجتماعی را به صورت معنی داری افزایش دهد. زیرا این احتمال وجود خواهد داشت که فرد مهاجر به دلیل گستردگی محیط، احساس آزادی عمل و خودمختاری کرده و این خود می تواند زمینه را برای ارتکاب انواع جرائم فراهم کند. از سوی دیگر در مراحل بعدی صنعتی شدن و به موجب پیشرفت تکنولوژی و به کارگیری تکنولوژی های سرمایه بر به جای کاربر، این احتمال وجود دارد که بسیاری از کارکنان و کارگران، به خصوص آنهایی که از روستاها مهاجرت کرده اند، به واسطه عدم مهارت کافی بیکار شده و این خود می تواند مجدداً افزایش ناهنجاری ها و جرائم را در این جوامع دامن بزند. بر این اساس، این احتمال وجود دارد که جامعه به جای دستیابی به امنیت انتظاری در جریان رشد صنعتی، وارد روند عدم اطمینان ناشی از افزایش وقوع جرم شود. در این صورت و با چنین حالتی، وقوع هر نوع جرم در جامعه، فرصت استفاده صحیح از منابع و امکانات اقتصادی به صورت سرمایه گذاری در تولید، آموزش و بهداشت را از دولت سلب می کند و دولت مجبور به استفاده از منابع در جهت مبارزه با جرم و کنترل آن خواهد بود. از این رو، بازدهی منابع کاهش یافته و هزینه هایی به جامعه تحمیل می شود. جرم هزینه هایی را نیز بر قربانیان جرم مانند از دادن وسایل زندگی، دارایی ها، هزینه های دادرسی و همچنین هزینه های مربوط به نصب تجهیزات بازدارنده، هزینه های بیمه و کاهش قیمت زمین و مسکن تحمیل می کند.

۴-۹-۲ بیکاری:

با توجه به جداول بالا متغیر بیکاری هم در مدل کوتاه‌مدت و هم در مدل بلندمدت دارای اثر مثبت بر جرم (سرقت) می‌باشد در رابطه با بیکاری و اثر آن روی جرم (سرقت) دلایل و شواهد زیادی وجود دارد که در زیر به طور مفصل به آن اشاره شده است:

یکی از کانون‌های مولد جرم که همه صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه‌های اجتماعی و جرم روی آن تاکید دارند و کوچکترین شکی بر آسیب‌زا بودن آن وجود ندارد، بحث بیکاری در جامعه است؛ آسیبی که جزو سه آسیب اول جامعه ایران مطرح است و موجبات جرایم و مشکلات بسیاری را فراهم کرده است.

بیکاری موجب از دست رفتن فرصت‌های درآمدی برای نیروی کار شده و هزینه‌های فرصت مشارکت در اعمال مجرمانه را کاهش می‌دهد که این مسئله می‌تواند انگیزه ارتکاب جرم و از طریق آن نرخ جرم را در جامعه افزایش دهد. بیکاری می‌تواند شخص را به سوی ارتکاب جرم سوق دهد و عاملی است که شخص برای تامین منافع خود و تامین زندگی، مرتکب کارهای خلاف و ضد اجتماعی شود. جوانی که در آرزوی کار است و کاری پیدا نمی‌کند خسته و ناامید می‌شود اما از طرفی باید نیازهای زندگی مادی وی تامین شود و شخص راهی جز ارتکاب جرم ندارد و وی ناچار برای تامین نیازهای اساسی و اصلی خود و فامیل خود، مرتکب جرم شود. از سوی دیگر از آنجا که بیکاری دروازه ورود به دنیای تبه‌کاری و جرایم از جمله سرقت و اعتیاد و خودکشی و ... است سونامی بیکاری در میان تحصیل‌کردگان دانشگاه موجب شده است درهای این رفتارها به روی تحصیل‌کردگان باز شود تا جایی که امروزه هرم تحصیلی مجرمان در جامعه در حال افزایش است به این معنا که طبق آمار و مستندات سازمان زندان‌ها این روزها بیشتر زندانیان را تحصیل‌کردگان تشکیل می‌دهند که با علت‌یابی ریشه‌های مجرمیت آنان به معضل بیکاری می‌رسیم؛ معضلی که با توجه به افزایش آن در بین قشر تحصیل‌کرده نتیجه‌ای ندارد جز ابتلای جامعه به جرایمی که گاه روح جمعی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و گاه اثرات آنها سال‌های زیادی بر روح و روان جامعه رسوخ می‌کند.

از این‌رو مسئولین کشور باید رفع معضل بیکاری را در اولویت کارهای کشور قرار دهند تا کشور راحت‌تر در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گیرد چون اگر بیکاری رفع شود میزان وقوع انواع جرائم کاهش پیدا می‌کند

جوانان مشغول به کار می‌شوند تشکیل خانواده می‌دهند و در نهایت جرم و جنایت و فحشا کم خواهد شد و کشور با سرعت بیشتری در مسیر رشد و توسعه قرار خواهد گرفت.

۴-۹-۳ نابرابری درآمدی:

با توجه به جداول بالا مشاهده می‌شود که نابرابری درآمدی در مدل کوتاه مدت دارای اثر منفی بر وقوع جرم در کشور می‌باشد اما در مدل بلند مدت اثر مثبت بر وقوع جرم (سرقت) در کشور دارد یعنی با افزایش نابرابری درآمدی در جامعه ارتکاب جرم نیز در کشور افزایش می‌یابد. در رابطه با چگونگی اثر نابرابری درآمدی بر جرم عوامل مختلفی اثرگذارند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

در مدل کوتاه مدت می‌توان گفت که چون جامعه هنوز تشخیص نداده و مردم متوجه نابرابری درآمدی نشده‌اند، نابرابری درآمدی اثر منفی بر وقوع جرم دارد. اما در بلند مدت که مردم متوجه این رفتار و نابرابری درآمدی شده‌اند این رابطه مثبت شده است و در رابطه با مثبت شدن این رابطه دلایل زیر وجود دارد:

نابرابری درآمدی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی موثر بر میزان ارتکاب جرم سرقت در ایران است. نابرابری درآمدی موجب افزایش شکاف طبقاتی میان گروه‌های پردرآمد و کم درآمد می‌شود که این پدیده انگیزه مجرمان بالقوه را در ارتکاب جرم تقویت می‌کند. در واقع، مجرمان با ارتکاب جرم سعی در کاهش دادن نابرابری، پرکردن تفاوت درآمدی و جبران انواع محرومیت‌های درآمدی و اجتماعی هستند.

بخشی از نابرابری موجود در جامعه متأثر از سیاست‌های اقتصادی دولت است. سیاست‌های دولت می‌تواند سطح رفاه، وضعیت توزیع درآمد و سطح قدرت خرید افراد را متأثر سازد. به عنوان مثال، یک سیاست پولی انبساطی شدید موجب افزایش سطح قیمت‌ها و رخداد تورم شدید در جامعه می‌شود که این پدیده ممکن است موجب افزایش سطح قیمت‌ها و رخداد تورم در جامعه می‌شود که این پدیده ممکن است موجب افزایش فرصت‌های سودآور درآمدی برای گروه‌های خاص، کاهش شدید درآمد صاحبان درآمدهای ثابت،

کاهش قدرت خرید افراد به خصوص گروه‌های کم درآمد شود که در نتیجه آن نابرابری درآمدی گسترش می‌یابد. رشد نابرابری درآمدی انگیزه ارتکاب اعمال مجرمانه از جمله سرقت را افزایش می‌دهد.

پس نیاز به اصلاح نابرابری درآمدی، که یکی از پارامترهای بی‌عدالتی نیز محسوب می‌شود، ضرورت پیدا می‌کند. لذا تنظیم اجرای سیاست‌های توزیعی مناسب در جهت کاهش فاصله طبقاتی و نابرابری درآمدی در سطح کشور می‌تواند موجبات امنیت و کاهش جرم را فراهم آورد.

همچنین با استفاده از سیاست‌های پیشگیرانه و بلندمدت، بودجه مناسبی برای کاهش نابرابری درآمدی در کشور هزینه گردد که در اصل این هزینه نوعی سرمایه‌گذاری برای جامعه در جهت تاثیر پایدارتر بر کاهش جرائم به ویژه سرقت است.

۴-۹-۴ فقر:

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که در مدل کوتاه‌مدت متغیر فقر اثر منفی بر وقوع جرم در کشور دارد اما در مدل بلندمدت متغیر فقر هم مانند متغیر نابرابری درآمدی اثر مثبت بر وقوع جرم در کشور دارد. در رابطه با اثر مستقیم فقر بر جرم دلایل و مطالعات زیادی وجود دارد و وجود رابطه مثبت را تایید کردند.

گسترش فقر موجب بالا رفتن جرم می‌شود. در واقع می‌توان گفت که افراد فقیر برای رهایی از فقر و نداری مبادرت به هنجارشکنی در جامعه به شکل سرقت می‌نمایند. فقر عامل بسیار خطرناکی در جامعه است که می‌تواند ثبات کل جامعه را از بین ببرد. تلاش برای تبیین ارتباط فقر و جرم بر اساس ارتباط بین عواملی نظیر سوء تغذیه، خانه مسکونی غیربهداشتی، ازدحام و شلوغی محل زندگی و انجام فعالیت‌های غیرقانونی که به عنوان نتیجه‌ای از ناامیدی در کنار ناتوانی برای غلبه بر این شرایط است، بررسی می‌شود.

در اقتصاد اسلامی نظریاتی پیرامون عدالت اقتصادی و مبارزه با فقر وجود دارد که این نظریات از آیت الله مطهری و آیت الله حکیمی و ... می‌باشند.

پیامبر اسلام (ص) در حدیثی، شیوع فقر را در مردم سبب کفر آنان دانسته و مقصر اصلی در این رابطه را حکومت اسلامی معرفی می‌نماید. نظر اسلام به فقر نظری ریشه‌ای و معطوف به از بین بردن علل فردی، جمعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که غیر از علل فردی، نقش دولت در سایر علل واضح است.

۴-۹-۴-۱ مقادارهای تقریبی تعیین خط فقر

فقیر کسی است که هزینه یک ساله خود و خانواده‌اش را نداشته باشد و مسکین کسی است که از فقیر بینواتر باشد (حکیمی، ۱۳۸۰). فقر با شان انسان و عزت مومنان سازگاری ندارد، و از نظر اسلام باید نیازمندی فقرا به میزان سال در نظر گرفته شود، نه نسبت به شبانه‌روزی، و واجب است نیازمندی سالانه فقرا تامین شود، به تعبیر امام علی (ع) در اسلام نباید عائله‌مندی فقیر یافت شود.

شرکت فقیران در دارایی توانگران در احادیث گوناگون مورد تاکید قرار گرفته است، امام علی (ع) درباره وضع مردمان پس از دوره حکومت کوتاه‌مدتش فرمود: "مردم کوفه زندگی خوشی پیدا کرده‌اند، پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند و خانه دارند، و از آب فرات می‌نوشند." (حکیمی، ۱۳۷۷): فقرا باید به حدی برسند که ازدواج کنند و حتی صدقه دهند و به حج بروند.

برخی تدابیر اسلام که وظیفه دولت است:

۱- سیاست‌های نظارتی

مبارزه با انحصار- نبرد با احتکار- اهمیت نرخ گذاری و جلوگیری از گران‌فروشی- نظارت بر بازرگانی.

۲- سیاست‌های درآمدی

بیشتر سیاست‌های دولت در اسلام، سیاست‌های درآمدی و مالی است که طی آن دولت بیشتر درآمد خود را از ثروتمندان کسب می‌کند (از طریق وضع مالیات بر آنها) و بیشتر هزینه‌های خود را صرف رفاه محرومان می‌کند.

۴-۹-۵ تورم:

همانطور که از جدول بالا مشاهده می‌کنیم که تورم دوره قبل با جرم (سرقت) دوره فعلی رابطه مثبت و مستقیمی دارد یعنی با افزایش تورم دوره قبل جرم دوره فعلی افزایش می‌یابد. در رابطه با رابطه مثبت تورم و جرم دلایل زیادی وجود دارد که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم.

بخشی از تورم موجود در جامعه متأثر از سیاست‌های اقتصادی دولت است. سیاست‌های دولت می‌تواند سطح رفاه، وضعیت توزیع درآمد و سطح قدرت خرید افراد را متأثر سازد. به عنوان مثال، یک سیاست پولی انبساطی شدید موجب افزایش سطح قیمت‌ها و رخداد تورم شدید در جامعه می‌شود که این پدیده ممکن است موجب افزایش فرصت‌های سودآور درآمدی برای گروه‌های خاص، کاهش شدید درآمد صاحبان درآمدهای ثابت، کاهش قدرت خرید افراد به خصوص گروه‌های کم درآمد شود که در نتیجه آن تورم و نابرابری درآمدی گسترش می‌یابد. رشد تورم انگیزه ارتکاب اعمال مجرمانه از جمله سرقت را افزایش می‌دهد. تورم و نوسانات قیمت در ارتکاب جرم تاثیر کلی دارند اگر اوضاع اقتصادی کشور مطلوب باشد تعداد بزهکاران مخصوصاً جرائم مالی و دارایی کاسته می‌شود ولی وقتی که قیمت‌ها بالا باشد افراد کم درآمد جامعه برای این که بتوانند نیازهای اساسی خود را تامین کنند به ارتکاب جرم سوق داده می‌شوند. از آنجایی

که اقتصاددانان معتقدند که عوامل اقتصادی و متغیرهای اقتصادی می‌تواند بر وقوع جرم موثر باشد. این متغیر علاوه بر پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی زیادی نیز به همراه دارد و شاید مهمترین نتیجه تورم، تاثیر آن از نظر توزیع مجدد درآمد و ثروت افراد باشد؛ به طوری که تورم با افزایش نامتناسب و ناهماهنگ قیمت‌ها باعث می‌شود درآمد و ثروت حقیقی برخی از طبقات و گروه‌ها به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر افزایش یابد.

میزان اثرگذاری تورم بر جرایم در سطوح مختلف تورمی متفاوت است و از سوی دیگر نیز با کنترل عوامل اقتصادی همچون تورم می‌توان به میزان زیادی جرایم در جامعه را کاهش دهد. لذا جلوگیری از روند صعودی تورم علاوه بر اثرات اقتصادی، اثرات مثبت اجتماعی را نیز به همراه دارد.

۴-۹-۶ جمعیت:

همانطور که از جدول بالا مشخص است هم در مدل کوتاه‌مدت و هم در مدل بلندمدت رابطه جمعیت جرم(سرقت) رابطه مثبت و مستقیمی می‌باشد به این معنی که با افزایش جمعیت میزان جرم افزایش می‌یابد. برای این رابطه مثبت دلایل و شواهد زیادی وجود دارد و مطالعات زیادی در این باره انجام شده است.

در زیر دلایل وجود رابطه مثبت بین جمعیت و جرم را شرح می‌دهیم.

در غالب شهرهای جهان، جرایم معمول تهدیدی جدی برای حیات، تمامیت فردی و دارایی‌های انسان‌ها است. وقوع بیش از حد این جرایم در محیط‌های شهری نه فقط با اصول مسلم نظام اجتماعی تعارض دارد، بلکه همراه خود ضایعات سنگین، سختی و رنج انسان‌ها، به هدر رفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به ارمغان می‌آورد.

تراکم شهرها و ازدیاد جمعیت هر چه بیشتر جوامع پیامدهای مثبت و منفی، هر دو را دارند. از آنجا که پیامدهای مثبت مقبولیت فراوان و مشتاقان بیشتر و پیامدهای منفی متولی کمتری دارند، اغلب پیامدهای

منفی باری سنگین تر از پیامدهای مثبت به دوش مسئولان هر جامعه ای می گذارند. جرم از پیامدهای منفی عمده‌ای است که بر رفاه افراد، خانواده‌ها و جوامع تاثیر بسیار می گذارد.

هرچه جمعیت شهری زیادتر باشد باعث آزادی عمل، گمنامی بیشتر و خودمختاری بیشتری می شود و همه این عوامل باعث ایجاد زمینه جرم و بزه در یک جامعه و شهر می گردند و از آنجا که راحتتر از دست قانون می گریزند دست به بزه و جرم و جنایت می زنند. پدیده مهاجرت به شهرهای بزرگ نیز باعث افزایش جرم و جنایت می گردد.

فصل پنجم

نتیجه‌گیری

۵-۱ مقدمه

تاکنون تحقیقات اندکی در کشور ایران در خصوص تاثیر عوامل اقتصادی موثر بر جرم انجام شده است. که آن هم متغیرهای زیادی را تحت پوشش قرار ندادند ما در این تحقیق سعی کردیم که متغیرهای بیشتری را مورد بررسی قرار دهیم پس از آنکه در فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد در این فصل نوبت به نتیجه‌گیری می‌رسد. در این فصل ما ابتدا به بحث در مورد آنچه در این تحقیق انجام شده می‌پردازیم بعد از آن به تجزیه و تحلیل فرضیات و سوالات پژوهش می‌پردازیم و در ادامه از این تحقیق نتیجه‌گیری خواهیم کرد و در انتها نیز پیشنهادات را خواهیم داشت.

۵-۲ بحث

در این مورد که عوامل اقتصادی روی جرم تاثیرگذارند شکی نیست اما سابقه این مطالعات در ایران خیلی دور نیست و موضوعی جوان است.

عوامل اقتصادی از دلایل اساسی در وقوع جرم می‌باشند که جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اهمیت این عوامل از آنجاست که اگر افراد جامعه از نظر اقتصادی اوضاع نامناسبی داشته باشند مرتکب جرم می‌شوند.

هر فردی به واسطه انسان بودنش و به عنوان یکی از نیازهای اولیه و مهم باید از خوراک، پوشاک و مسکن مناسب برخوردار باشد حال اگر بواسطه شرایط نامناسب اقتصادی از این نیازهای اولیه محروم باشد دست به ارتکاب جرم می‌زند و به خود و جامعه آسیب می‌رساند. کسی که مرتکب جرمی می‌شود ممکن است زمینه انجام جرم در خانواده، در بین دوستان و یا شرایط اقتصادی پیدا می‌کند.

همراه با زیاد شدن جمعیت شهرها و صنعتی شدن جوامع جرم گسترش می‌یابد صنعتی شدن یک شهر باعث افزایش مهاجرت به آن شهر می‌شود و این به نوبه خود محرکی برای رفتارهای ناهنجار و ضدارزش در آن جامعه می‌شود و به سبب این افزایش جمعیت جرم و جنایت در آن جامعه افزایش پیدا می‌کند.

۵-۳ تجزیه و تحلیل

در این پژوهش به بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم (سرقت) در ایران پرداخته شده است. که بر اساس اهداف و فرضیات پژوهش نتایج زیر را در پی داشته است:

اهداف این پژوهش به طور کلی این بود که:

بررسی اثر بیکاری بر روی جرم (سرقت) را مورد ارزیابی قرار دهد.

اثر نابرابری درآمدی بر روی جرم (سرقت) را مورد ارزیابی قرار دهد.

بررسی اثر فقر بر روی جرم (سرقت) را مورد ارزیابی قرار دهد. که در انتها به این اهداف دست پیدا کردیم.

و همچنین به بررسی فرضیات این تحقیق پرداختیم که نتایج آن در زیر آمده است:

با افزایش بیکاری نرخ جرائم (سرقت) در ایران افزایش می‌یابد که این فرضیه تایید شده است.

با افزایش نابرابری درآمدی نرخ جرائم (سرقت) در ایران افزایش می‌یابد که این فرضیه هم تایید شده است.

با افزایش فقر نرخ جرائم (سرقت) افزایش می‌یابد که این فرضیه در بلندمدت تایید شد.

۴-۵ نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش و نتایج آزمون‌های مطرح شده در فصل چهارم، نتایج نشان داد که در بلندمدت تمامی متغیرها اثر مثبت و معناداری بر وقوع جرم (سرقت) در کشور دارند.

در رابطه با صنعتی شدن، صنعتی شدن هم در مدل کوتاه مدت و هم در مدل بلندمدت اثر مثبت و معناداری روی جرم دارد. و همچنین در مورد بیکاری، بیکاری هم در مدل کوتاه مدت و هم در مدل بلندمدت اثر مثبت و مستقیمی روی جرم دارد که فرضیه شماره (۱) را تایید می‌کند.

در مورد نابرابری درآمدی، نابرابری درآمدی در مدل کوتاه مدت اثر منفی بر وقوع جرم دارد اما در مدل بلندمدت نابرابری درآمدی اثر مثبت بر وقوع جرم در کشور دارد که نشان می‌دهد با افزایش نابرابری درآمدی در جامعه ارتکاب جرم نیز در کشور افزایش می‌یابد. و فرضیه شماره (۲) را تایید می‌کند. در مورد متغیر فقر، فقر در مدل کوتاه مدت اثر منفی بر وقوع جرم در کشور دارد ولی در مدل بلندمدت اثر مثبت بر وقوع جرم در کشور دارد که نشان می‌دهد فقر در بلندمدت باعث افزایش جرایم بخصوص سرقت در کشور می‌شود. و فرضیه شماره (۳) را تایید می‌کند.

تورم هم در مدل کوتاه مدت و هم در مدل بلندمدت اثر مثبت و معناداری روی جرم دارد. یعنی با افزایش تورم جرم (سرقت) افزایش می‌یابد. در رابطه با متغیر جمعیت، جمعیت هم در مدل کوتاه مدت و هم در مدل بلندمدت اثر مثبت و معناداری روی جرم دارد. به این معنی که با افزایش جمعیت میزان جرم افزایش می‌یابد.

۵-۵ پیشنهادات پژوهش

۵-۵-۱ پیشنهادات علمی و کاربردی پژوهش

- ۱- پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش وقوع جرم در کشور جلوی مهاجرت بی‌رویه به سمت شهرهای بزرگ و صنعتی گرفته شود با ایجاد کارگاههای کوچک و بزرگ در شهرهای مختلف کشور جلوی مهاجرت بی‌رویه به سمت شهرهای بزرگ و صنعتی گرفته شود.
- ۲- پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش بیکاری با ایجاد بنگاههای زود بازده جلوی بیکاری قشر جوان و تحصیلکرده گرفته شود تا جرم کاهش یابد.
- ۳- نابرابری درآمدی و فاصله طبقاتی در کشور به حداقل ممکن برسد با گرفتن مالیات از ثروتمندان و کمک‌های بلاعوض به گروه‌های کم درآمد و افزایش دستمزد مشاغل سخت و یدی که معمولاً دستمزدهای پایین دارند.
- ۴- پیشنهاد می‌شود تا حد امکان عدالت اقتصادی در جامعه حکمفرما شود تا جلوی جرم و جنایت گرفته شود.
- ۵- تورم موجود در جامعه کاهش پیدا کند و تک رقمی شود که با کاهش یافتن تورم میزان جرم و بزه در کشور کاهش پیدا می‌کند.
- ۶- تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ کاهش یابد مثلاً با ایجاد شهرهای جدید در اطراف شهرهای بزرگ و صنعتی که این کار باعث می‌شود که تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ کاهش یابد و وقوع جرم در این شهرها کم شود.

۵-۵-۲ پیشنهادات برای محققین آینده

- ۱- با توجه به اینکه این پژوهش در مورد بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم سرقت می‌باشد پیشنهاد می‌شود که پژوهشی در مورد بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم (قتل عمد) در کشور انجام شود.
- ۲- پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌های دیگری در رابطه با عوامل اقتصادی و وقوع جرائم اقتصادی (اختلاس، کشیدن چک بی‌محل و ...) انجام شود.
- ۳- پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های در مورد تاثیر عوامل اقتصادی بر وقوع جرائم در مناطق مرزی انجام شود.
- ۴- پیشنهاد می‌شود در زمینه تاثیر عوامل اقتصادی و وقوع جرم در مناطق روستایی و شهری پژوهشی انجام گیرد.
- ۵- پیشنهاد می‌گردد پژوهشی تحت عنوان تاثیر عوامل اقتصادی بر روی وقوع جرم در میان دانشجویان دانشگاه‌های سراسری کشور انجام شود.
- ۶- پیشنهاد می‌گردد پژوهشی تحت عنوان تاثیر عوامل اقتصادی بر روی وقوع جرم در میان دانشجویان دانشگاه‌های آزاد کشور انجام شود.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۳)، بررسی عوامل موثر بر تمایل حاشیه‌نشینان بر رفتار بزهکارانه؛ مطالعه موردی حاشیه‌نشینان شهر شیراز، شیراز، دانشگاه شیراز، مرکز جمعیت‌شناسی.
- حسینی نژاد، & سید مرتضی. (۲۰۰۶). بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی مورد سرقت. *فصلنامه برنامه ریزی و بودجه*.
- خداپرست مشهدی، غفوری ساداتیه، & ماندانا. (۲۰۱۴). بررسی ارتباط توسعه یافتگی و ارتکاب جرم در اقتصاد ایران. *دانشنامه حقوق اقتصادی*.
- صادقی، دکتر حسین و دیگران. تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۴۰، ۱ (۲۰۰۵).
- صمدی، & علی حسین. (۲۰۱۴). تورم، بیکاری و جرائم اقتصادی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*.
- صمدی علی حسین، & آماره جواد. عنوان فارسی: جرایم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و توسعه اقتصادی: اقتصاد ایران (۱۳۶۴-۱۳۸۵).
- عاقلی‌کهنه شهری، لطفعلی، امامقلی پور، سارا. تاثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی بر وقوع جرائم خشن: مطالعه موردی قتل عمد. *فصلنامه کاراگاه*.
- عباسی نژاد حسین، رضانی هادی، & صادقی مینا. بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی.
- کلانتری محسن، & آیت آیت اله. تاثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن، مورد مطالعه: تاثیر تاریکی، روشنائی، خلوتی و شلوغی محیط در نوع و میزان جرایم ارتكابی در شهر تهران.
- گرشاسبی فخر، سعید (۱۳۹۰)، ارتباط بین بیکاری و سرقت در ایران، *مجله رفاه اجتماعی*، سال یازدهم.
- لطفی، عزت الله، فیض پور، محمدعلی، رشد صنعتی و جرم (شواهدی از استان‌های کشور طی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه کشور)، *فصلنامه مجلس و راهبرد*.
- مداح، مجید. بررسی و تحلیل رابطه میان نابرابری درآمدی و نرخ انواع جرم در ایران. *فصلنامه سیاست‌های اقتصادی*.
- مرزبان، حسین و صمدی، علی (۱۳۸۸)، جرائم مالی و اقتصادی و راهکارهای پیشگیرانه از آن در استان‌های جنوبی کشور، (طرح پژوهشی منتشر نشده)، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- مهرگان، نادر، & گرشاسبی فخر، سعید. (۲۰۱۱). نابرابری درآمد و جرم در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*.

- Allen, R. , Socioeconomic Conditions and Property Crime: A Comprehensive Review and Test of the Professional Literature ,*American Journal of Economics and Sociology*, 1916,v55, n3.
- Becker, G.S (1968). Crime and Punishment: An Economic Approach, *journal of Political Economy*, No. 76(2).
- Block, M. K., & Heineke, J. M. (1975). A labor theoretic analysis of the criminal choice. *The American Economic Review*, 65(3).
- Bonger, W., *Criminality and economic conditions*, Boston: Little, Brown,1916.
- Burdett, K., R. Lagos and R. Wright (2002). Crime, Inequality, and Unemployment, *PIER working paper*, No. 02- 038.
- Cerro, A. M., & Meloni, O. (2000). Determinants of the crime rate in Argentina during the'90s. *Estudios de economía*, 27(2), 297-311. Fajnzlber, p., Lederman, D.,&Loayza, N. (2002); Inequality and violent crime . *JL& Econ.*, 45,1.
- Chapman, J. I. (1976). An economic model of crime and police: Some empirical results. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 13(1).
- Chapman, J. I., An economic model of crime and police. *Journal of Research Crime*, 1976.
- Cheng, Z., & Smyth, R. (2015). Crime victimization, neighborhood safety and happiness in China. *Economic Modelling*, 51.
- Choe, J, Income Inequality 3 and Crime in the United State, *Economics Letters*, 2008,101.
- Cooter, R., & Ulen, T. (1988). Law and economics.
- Crutchfield, R. D. & et. al., *Crime rate and Social integration Criminology*, 1982, 20.
- Ehrlich (1973). Participation in Illegal Activities: A Theoretical and Empirical Investigation, *journal of Political Economy*, No. 31(3).
- Ehrlich, I. and Z. Liu (1999). Sensitivity Analyses of the Deterrence Hypothesis: Let's Keep Econ in Econometrics. *Journal of Law and Economics*, Vol. XLII April 1999.
- Fleisher, B. (1963). The Effect of Unemployment on Juvenile Delinquency, *journal of Political Economy*, No. 71(6).
- Fleisher, B. 1996). The Effect of Income on Delinquency, *American Economic Review*, No. 56.
- Freeman, R., Why do so many young American men commit crimes and what might we do about it, *Journal of Economic Perspectives*, 1996.
- Gaigné, C., & Zenou, Y. (2013). *Agglomeration, city size and crime*. Centre for Economic Policy Research.

Hartnagel, T. F. , & Lee, G. W., Urban Crime in Canada, *Canadian Journal of Criminology*, 1995, 32.

Jacobs, D., Inequality and economic crime, *Sociology and Social Research*, 1981, 66.

Juhn, C., K.M. Murphy. & B. Pierce (1993). Wage Inequality and the Rise in Return to Skill, *Journal of Political Economy*, 101(3).

Kelly, M. (2000). Inequality And Crime, *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 82(4).

Kelly, M. (2000). Inequality and crime. *Review of economics and Statistics*,82(4).

Kennedy, L. W. & et al., Homicide in urban Canada: Testing the impact of economic inequality and social disorganization, *Canadian Journal of Sociology*, 1991, 16.

Ladbrook,D. A., Why are Crime rates higher in Urban than in Rural Areas? Evidence from Japan. Australian and New Zealand, *Journal of Criminology*, 1988, 21.

Ladbrook,D. A., Why are Crime rates higher in Urban than in Rural Areas? Evidence from Japan. Australian and New Zealand, *Journal of Criminology*, 1988, 21.

Lederman, D., Loayza, N., & Menendez, A. M. (2002). Violent crime: does social capital matter?. *Economic Development and Cultural Change*, 50(3).

Lott Jr, J. R. (1990). Transaction-Costs Explanation for Why the Poor Are More Likely to Commit Crime, *A. J. Legal Stud.*, 19.

Meloni, Osvaldo, Maria Cerro (2000). Determinants of the crime rate in Argentina during the 90s, *Estudios de Economia*, 27.

Messner, S. F., Poverty, Inequality, and the Urban Homicide Rate, *Criminology*, 1982, 20.

Nakane, C., *Japanese Society*, Berkeley: University of California Press,1970.

Nettler, G., *Explaining Crime*, New York: McGraw-Hil, 1984.

oulas, E., & Zervoyianni, A. (2015). Economic growth and crime: Is there an asymmetric relationship?. *Economic Modelling*, 49.

Philips, M, B., A Hedgehog Proposal, *Crime and Delinquency*, 1991, 37.

Quetelet, A., *Research on the Propensity for Crime at Different Ages. S. F. Sylvester (Trans)*, Cincinnati: Anderson, 1984.

Sanchez-Way, R., and Johnson, S. (2000). Cultural Practices in American Indian Prevention Programs, *Juvenile Justice* VII(2).

Saridakis, G., & Spengler, H. (2012). Crime, deterrence and unemployment in Greece: A panel data approach. *The Social Science Journal*, 49(2).

Sjoquist, D. (1973). Property Crime and Economic Behavior: Some Empirical Results, *American Economic Review*, 53.

Sucher, Charles. (1987), *Social Deviance*, United State of America, Copyright by Holt. Rinehard. & Winston.

Sucher, Charles. (1987), *Social Deviance*, United State of America, Copyright by Holt. Rinehard. & Winston.

Tushima, Mashiro (2000). Economic Structure and Crime: The Case of Japan, *Journal of Socio-Economic*, Vol. 25, No. 4.

Witte et al. (1998). Crime, Earnings inequality and unemployment in England & Wales, *Applied Economics Letters*, 5.

Wong , Yue – Chim R., *An Economic Analysis of the Crime Rate in England and Wales, 1857-92*, 1995.

Wu, D., & Wu, Z. (2012). Crime, inequality and unemployment in England and Wales. *Applied Economics*, 44(29).

Zhang, Junsen, *The Effect of Welfare Programs on Criminal Behavior: Theoretical and Empirical Analysis*, 1997.

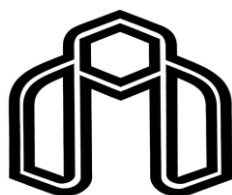
Economic Factors affecting crime (theft) in Iran dynamic approach

ABSTRACT: Economic crime is a subject of interdisciplinary who arrived after 1970 with the efforts of economics Gary Becker was and in trying to analyze the economic and in trying to analyze the economic aspects of crime and on the basis of experimental and theoretical studies in economics and crime are affecting economic factors on crime.

Economic factors affecting the study of crime (theft) with a dynamic approach and self-explanatory operation with Lag (ARDL) was estimated for the years 1392-1370. The data for this study were obtained from the Central Bank and the Statistical Center of Iran. In this study, the Dickey-Fuller test to determine the stability stationary variables that showed that variables of this study are non-viable. The model was used to estimate short time later to check for residual autocorrelation test is conducted Lagrange And then estimate the long-term model has been done. Finally, the equation estimates the rate of error correction was performed, which showed that the variables are moving toward long-term equilibrium.

The results of this study suggest that long-term industrialization, unemployment, inequality, poverty, inflation has a positive effect on crime (theft), which show With the increase in crime in the country these variables increases. But in the short-term variable income inequality has a negative effect on poverty and crime.

Key words: economy, crime, inequality, poverty, self-explanatory operation Lag



دانشگاه صنعتی شاهرود

Shahrood University of Technology

**Faculty: Industrial Engineering &
Management Sciences**

**Economic Factors affecting crime (theft) in Iran dynamic
approach**

Mohammad sarhadi jezfaten

Supervisor:

Dr. Mahmoud rahimi

September 2016